



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران پنج‌شنبه ۴ دی ۱۴۰۴ - ۴ رجب ۱۴۴۷ سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۴۸۵ - ۱۶ صفحه قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

یادداشت سیاسی

محمدرضا شاه‌زهری

تغییر زبان صهیونیست‌ها از تهدید به ترید

آنچه امروز در مواضع مقامات، تحلیلگران و رسانه‌های صهیونیستی درباره ایران دیده می‌شود، محصول اثرات ژرف حملات موشکی و پهپادی ایران و آش‌ ویرانگر آن، تغییر معادلات قدرت در منطقه و ناکامی رژیم صهیونیستی در پیشبرد اهداف خود و آماده‌سازی پرسرعت توان نظامی ایران برای پاسخی قدرتمند، ویرانگر و تمام‌کننده به هرگونه شرارتی است که نتیجه آن، عقب‌نشینی تدریجی از «گزینۀ نظامی» و جایگزینی آن با راهبرد «مهار از درون» شده است. شاید در بدو امر به نظر برسد که ما با یک جنگ ادراکی برای فریب مواجه هستیم ولی مجموع تحولات منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد که این تغییر ادبیات، واقعاً نشان از یک تحول راهبردی و بازتابی از موازنه قدرت است. تغییر ادبیات از «ضربه قاطع» به ادبیات «عدم تحمل هزینه‌ها» و «ثباتی در کنترل پایدمناه» نشانه‌ای از کاهش کارآمدی ابزارهای پیشین است | **صفحه ۲**

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

افزایش حقوق یا کاهش فشار مالیاتی؟

لااحه بودجه ۱۴۰۵ در شرایطی به مجلس ارائه شده است که اقتصاد کشورمان با مجموعه‌ای از چالش‌ها روبه‌رو است و طمأ در چنین شرایطی، انتخاب میان افزایش حقوق و کاهش فشار مالیاتی، نباید یک تصمیم صرفاً حسابداری تلقی شود، چه آنکه انتخابی راهبردی است که می‌تواند مسیر اقتصاد را به سمت ثبات یا بی‌ثباتی هدایت کند. اگر افزایش حقوق با افزایش هم‌زمان مالیات‌ها و قیمت‌ها همراه شود، نتیجه‌ای جز جابه‌جایی ظاهری اعداد در حساب‌های مالی نخواهد داشت و احساس امنیت اقتصادی در جامعه تقویت نخواهد شد، در مقابل، طراحی سیاست‌هایی که به‌طور هم‌زمان به افزایش درآمد واقعی خانوارها و کنترل هزینه‌های زندگی توجه کند، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود پایدار معیشت باشد. دولت نمی‌تواند و نباید از یک سو، در یافتی اسمی مردم را اندکی افزایش دهد و از سوی دیگر با تشدید فشارهای مالیاتی، افزایش عوارض، رشد قیمت کالاها و خدمات یا گسترش هزینه‌های پنهان، برداشت سنگین‌تری از همان جیب انجام دهد | **صفحه ۴**

یادداشت بین‌الملل

احسان شیخون

تل‌آویو از سایه‌هایم ترسید!

تحولات اخیر در شرق مدیترانه و غرب آسیا بار دیگر نشان داده است که رژیم اسرائیل، به جای بازنگری در سیاست‌های امنیتی پر هزینه و تقابلی‌خود، ترجیح می‌دهد تهدیدها را بیرونی‌سازی کند و مسئولیت بی‌ثباتی فرایند منطقه را بر دوش بازیگران دیگر بیندازد. در این چارچوب، ترکیه به تدریج در گفت‌وگوهای امنیتی و رسانه‌ای اسرائیل به‌عنوان تهدید نوظهور باز تعریف می‌شود. تهدیدی که نه تنها به نفعوً انکارا در سوریه و مواضعش در قبال غزه مربوط است، بلکه حالا با ادعاهایی درباره تلاش ترکیه برای ایفای نقش در لبنان نیز پیوند خورده است | **صفحه ۱۵**

یادداشت ورزشی

فریدون حسن ادهب‌گروه ورزشی

فرق می‌کنه کار دست‌کی باشه

چندی قبل برنامه فوتبال ۳۶۰ به موضوع بازسازی ورزشگاه‌ها و معضل چین آنها پرداخت. مهندس مهرداد رتوفی به‌عنوان یک ایرانی کاربلد در این حوزه که با یک تیم ایرانی بخشی از کار ساخت ورزشگاه جدید نیوکمپ را هم برعهده داشته، توضیحاتی را در این برنامه ارائه می‌کند و وقتی با پرسش شیطنت‌آمیز مجری برنامه در مورد ساخت ورزشگاه در ایران روبرو می‌شود، پاسخی می‌دهد که فردوسی‌پور کاملاً اچمز می‌شود. رتوفی می‌گوید: «زمان دولت شهید رئیسی با ما تماس گرفتند و پیشنهاد دادند. ما هم برنامه دادیم اما بعد از آقای رئیسی همه چیز تمام شد!» | **صفحه ۱۳**

فقط حقوق کارمند تورم‌زاست جناب جعفر؟!!

● غلامرضا صدیقیان | سردبیر

معاون اجرایی رئیس‌جمهور گفته است «اگر حقوق کارمند را زیادتر از میزان بودجه ۱۴۰۵ یعنی ۲۰درصد کنیم، و تورم هم ابر اثر این افزایش حقوق ا دو برابر شود، هنر نکرده‌ایم» | چون با تورم بیشتر افزایش حقوق بی‌اثر می‌شود. | این ادعا غلط است. آقای جعفر قائم‌پناه اگر خودش می‌داند که گزاره‌ای غلط را تحویل رسانه‌ها داده است، که خیلی پد است و اگر نداند که خیلی بد تر. در یک گزارش تحلیلی نشان می‌دهیم که تورم دلایل زیادی دارد و افزایش حقوق نیز فقط به شرطی که دولت برای پرداختن آن پول چاپ کند، امکان تورم دارد و ادعای معاون رئیس‌جمهور اساساً فاقد اعتبار است



معاون اجرایی رئیس‌جمهور گفته است «اگر حقوق کارمند را زیادتر از میزان بودجه ۱۴۰۵ یعنی ۲۰درصد کنیم، و تورم هم ابر اثر این افزایش حقوق ا دو برابر شود، هنر نکرده‌ایم» | چون با تورم بیشتر افزایش حقوق بی‌اثر می‌شود. | این ادعا غلط است. آقای جعفر قائم‌پناه اگر خودش می‌داند که گزاره‌ای غلط را تحویل رسانه‌ها داده است، که خیلی بد است و اگر نداند که خیلی بدتر. اگر دولت منابع تأمین افزایش حقوق را که متناسب با افزایش تورم باشد، ندارد - که بهتر است همین راه به مردم بگوید نه آن گزاره غلط را. تورم در ایران دلایل فراوانی دارد که خود تیم اقتصادی دولت بارها به آن اشاره کرده‌اند و حتی یکبار از افزایش حقوق‌ها حرفی ن‌زدند اما حالا معاون اجرایی که پزشک است، مثل یک اقتصاددان در صحنه حاضر می‌شود و حرف اشتباه تحویل می‌دهد. معمول کار فعالان رسانه‌ای آن است که بلافاصله می‌روند سراغ تبلیغات انتخاباتی رئیس‌جمهور که گفت «همی‌شود تورم ۰.۵درصد باشد و حقوق را ۲۰درصد اضافه کنیم. حقوق هم باید به اندازه تورم افزایش یابد.» و حالا تورم را ۴۰ یا ۵۰ و حتی بیشتر تخمین می‌زنند. همان‌زمان برخی اقتصاددانان گفتند که نمی‌شود در زمان تبلیغات وعده‌های اینچنینی داد و اگر تورم ۵۰درصد باشد، دولت نمی‌تواند حقوق کارمندان خودشان را هم به همین میزان افزایش دهد زیرا قادر به تأمین منابع آن نیست. برای کارگران نیز همین‌گونه گفته می‌شود و از اثر تورمی آن، به‌واسطه‌ی افزایش قدرت خرید و به‌خاطر افزایش هزینه تولید یاد می‌کنند. اما حتی با پذیرش این گزاره‌ها، نمی‌توان تورم «دو برابری» را به گردن افزایش حقوق‌ها انداخت.

برخی نیز مثال می‌آورند از نسالی در دولت قبل که حقوق کارگران ۷.۵درصد افزایش یافت و در آن زمان هم عدای می‌گفتند موجب تورم می‌شود و نشد. یا در ادعای منطقی می‌گویند خیلی خب! پس تعریف پزشکان را و بودجه‌نهاد ریاست‌جمهوری و برخی شرکت‌های دولتی را هم به همین مقدار ۲۰درصد اضافه کنید نه بیشتر! تعرفه پزشکان را از این جهت کنایه می‌زنند که شخص رئیس‌جمهور و چند معاون و وزیر او پزشک هستند. و نهاد ریاست‌جمهوری را از آن جهت که رئیس‌جمهور چندسار گفته‌نهاد

ریاست‌جمهوری ۴هزار کارمند دارد ولی با ۴۰ تیر بهتر اداره می‌شود (یعنی کارمندان عاقل و احتمالاً بی‌کار که اعصاب رئیس‌جمهور را خرد کرده‌اند). اما می‌توان تمامی این‌ها را کنار گذاشت و از منظر اقتصادی نشان داد که حرف جعفر بیپهوده و خلاف قواعد اقتصاد است. چرا ادعای معاون اجرایی غلط است؟ در اقتصاد، افزایش حقوق به خودی خود موتور تورم نیست. هر چند ارتباط بین افزایش دستمزد و تورم در علم اقتصاد پیچیده است، اما معمولاً گفته می‌شود اگر افزایش حقوق به‌واسطه افزایش پایه پولی یا نقدینگی باشد یعنی مثلاً دولت پول چاپ کند، ممکن است تورم را تشدید کند. اما اگر افزایش حقوق صرفاً بخشی از تعدیل دستمزد متناسب با شرایط واقعی بازار باشد و از طریق رشد تولید و بهره‌وری پشتیبانی شود، الزاماً موجب تورم نمی‌شود. از طرفی اگر تورم واقعی ۴۰ تا ۰.۵درصد باشد، افزایش حقوق ۲۰درصدی موجب کاهش قدرت خرید کارمند را فراهم می‌کند، چنانکه همین‌حالا مردم از خرید لیبنيات عاجز شده‌اند و این اصولاً باید موجب کاهش تقاضا و کاهش قیمت‌ها شود. البته در یک اقتصاد سالم اما در اقتصادی که نه کاملاً آزاد است و نه کاملاً دولتی بلکه بیشتر راننی و انحصاری است، همه چیز ممکن است.

افزایش حقوق کارمندان هر چقدر باشد، در مقابله با کاهش ارزش واقعی حقوق است و چون ما دهه‌های طولانی است که تورم داریم، حقوق‌ها را هم هر سال افزایش می‌دهیم و گر نه با تورم صفر یا منفی، افزایش حقوق معنایی نداشت. بنابراین اگر هدف دولت از افزایش حقوق، حفظ قدرت خرید باشد، افزایش کمتر از تورم، به نفع اقتصاد نیست، و موجب کاهش رفاه خانوارها خواهد شد.

هر چند بحث بر سر افزایش حقوق کارمندان است اما ابعاد تأثیر بر تورم می‌توان آن را با افزایش حقوق کارگران که شمارشان بسیار بیشتر از کارمندان دولت است، مقایسه کرد. یعنی همان مثال پرکاربرد در زمان افزایش ۷.۵درصدی حقوق کارگران در دولت قبل. البته می‌دانیم که فقط حدود ۵درصد کارگران، مزدبگیر دولت‌اند و باقی طرف حساب کارفرمای خود هستند. افزایش حقوق کارگران در آن سال کذا موجب یک جهش تورمی پایدار نشد. این تجربه نشان

داد افزایش دستمزد همسنگ تورم، به تنهایی مسبب تورم نیست. من از مجموع سخنان خود رئیس‌جمهوری با تیم اقتصادی دولت نقل می‌کنم که تورم در ایران بیشتر ناشی از مواردی است که اتفاقاً در علم اقتصاد نیز به همان‌ها اشاره می‌شود، یعنی افزایش نقدینگی (معمولاً با چاپ پول بدون پشتوانه)، کسری بودجه و بدهی دولت به بانک مرکزی، انتظارات تورمی که در جامعه شکل می‌گیرد، شوک‌های ارزی، ساختارهای عرضه و بازارهای غیر رقابتی. این آخری را همگان با پوست و استخوان درباره خودروسازان که برای سومین بار متوالی در طول سال گران کردند با حتی لیبنیاتی‌ها که برای پنجمین یا ششمین بار در طول سال قیمت‌ها را افزایش دادند، درک می‌کنند. انتظارات تورمی جامعه هم مصداق‌هایش بسیار است که فقط یکی از آنها حالت نه جنگ، نه صلح است که خود دولت سردمدرار این‌ها را حالت است.

حاصل در این چارچوب، افزایش حقوق اگر با شاخص تورم باشد لزوماً عامل اصلی تورم نیست. و رئیس‌جمهور محترم با همان کسانیه که در زمان تبلیغات انتخاباتی مشورت کرد و در آن زمان گفت که «حقوق‌ها باید به اندازه‌ی تورم افزایش یابد»، اکنون هم می‌تواند به همان «کارشناسان» مراجعه و مشورت کند. پس تورم از ساختارهای اقتصادی و پولی کشور برخاسته است، و ربط مستقیم به افزایش حقوق ندارد.

بحث دیگری که اقتصاددانان مطرح می‌کنند این است که در تورم شدید، حتی اگر حقوق افزایش یابد، در عمل نمی‌تواند کاهش قدرت خرید را جبران کند و ممکن است اثر بسیار محدودی بر رفاه داشته باشد. این تحلیل به این معنا نیست که افزایش حقوق خودش تورم‌زاست، بلکه نشان می‌دهد که افزایش حقوق در مقابل تورم شدید بی‌اثر می‌شود. یکی از ضعف‌های اساسی در ادعای معاون رئیس‌جمهور این است که دولت در بخش‌های افزایش تعرفه‌های حرفه‌ای - مانند تعرفه پزشکان - آنکه می‌تواند در تنظیم اثر بگذارد، چنین نمی‌کند و هر سال شاهدیم که تعرفه پزشکان از افزایش حقوق کارگران و کارمندان بیشتر است. معمولاً نظام پزشکی یا برخی پزشکان مدعی می‌شوند که چون

ما مالیات‌مان را می‌دهیم، نرخ‌مان را هم خودمان باید تعیین کنیم! اولاً گویا کارگر و کارمند زبان‌بسته که قبل از پرداخت حقوقش، مالیاتش کم می‌شود، مالیات نمی‌دهد و ثانیاً آیا مالیات زیرمیزی‌ها هم که اکثر پزشکان اصلی کشور به آن آلوده هستند، گرفته می‌شود و آیا شهروندان بسیاری گزارش نداده‌اند که بیمار را از محیط بیرون می‌فرستند تا سرکوجه پول را کارت به کارت کند؟ مسئله تعرفه پزشکان را هم جناب جعفر و هم باقی پزشکان مقیم دولت که در هر انتصاب جدید تعدادشان افزوده می‌شد، به خوبی درک می‌کنند.

افزایش بودجه برخی دستگاه‌های دولتی نیز نشان نمی‌دهد که دولت در ادعای خود صادق باشد. این تناقض سیاستگذاری فاش می‌کند که افزایش حقوق پزشکان، ۲۰درصد فرافرابی آگروه خاصی نامطلوب شمرده می‌شود، اما برای بخش‌های دیگر دولت پذیرفته شده است. این نکته استدلال ادعای تورمی را تضعیف می‌کند، زیرا اگر افزایش حقوق، پیامد تورمی دارد، باید در کل دستگاه‌های اقتصادی اعمال شود، نه فقط برای کارمندان.

دینته از جناب جعفر انتظار در کامل مسائل اقتصادی و مشکلات کشور نمی‌رود، به‌ویژه پس از برنامه تلویزیونی اخیر که نشان داد همچنان محو متامشی جمال رئیس‌جمهور است و «ول نمی‌کنند» حتی برای او در شب چله تعال به حافظ می‌زند و جناب حافظ هم منتقدان رئیس‌جمهور را «خار مغیلان» می‌نامد. در یک دولت اسبق، رئیس‌جمهوری داشتم که «محو» معاون خود شد و شد آنچه نباید می‌شد، و یکبار هم علیه منتقدان خود دکسری از «حسن و خار» کرد که دید چیه شد. حالا نیز این محبوبون برعکس شده که خپراتش از آن کمتر نیست. آقای قائم‌پنسه برای رئیس‌جمهور تعال زده است و حضرت حافظ فرموده است که «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم/ سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور» اما فال حافظ واقعی آقای دکتر پزشکبان که مرام زندگی و غزل خوانی دارد این است که «گر من از سرزنش مدعیان اندیشم/ شوی‌می مستی و زندی نرود از پیشم» و البته می‌توان از سعدی آموخت که «سعدی از سرزنش خلق ترسد تیرسد هیهات/ غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را!»

۱۵

نشست عبث

شورای امنیت درباره ایران

■ در حالی که کشورهای غربی با برگزاری نشست شورای امنیت تلاش کردند ایران را ناقض تعهدات هسته‌ای نشان بدهند و فرایند غنی‌سازی این کشور را تهدیدی جدی برای صلح جهانی معرفی کنند، موضع تند سایر اعضا باعث شد فضای جلسه به شدت پر تنش شود. نماینده روسیه با حمایت صریح از مواضع ایران، با اشاره به پایان مهلت قانونی قطعنامه ۲۲۳۱، بر بی‌اعتباری این نشست تأکید کرد و گفت که شورای امنیت هیچ صلاحیت و مشروعیتی برای بررسی این پرونده ندارد. با این حال، اروپایی‌ها که صحنه‌گردانی نشست را برعهده داشتند، با ادعای لزوم حل مسئله از طریق دیپلماسی، خواستار بازگشت بازمان ازانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران شدند؛ خواستهای که تهران به‌طور قاطع رد می‌کند

۲



بازرسی از تأسیسات بمباران‌شده تکمیل عملیات دشمن است

■ محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی: اگر ازانس با جنگ و حمله نظامی موافق است این را باید مصوبه کنند و بگویند بله، حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان مجاز است اما اگر مجاز نیست، باید محکوم کنند و وقتی محکوم کردند باید اعلام شود که شرایط بعد از جنگ چیست؟ اگر که شرایط بعد از جنگ مدون است، ازانس اعلام کند تا، ما طبق آن رفتار کنیم اما اگر نیست، تقاضای ما این بوده است و به آنها نوشتیم، بایستی تعریف و تدوین مشخص شود که اگر برای یک صنعت هسته‌ای که تحت ثبت ازانس و تحت وزارت ازانس است، حمله نظامی شده، چه اقدامی باید صورت بگیرد

۱۲

گفت‌وگوی «چوان» با همسر یاسدار شهید اقدتار سید امیرحسین موسوی

آقاسید

نیمه‌های چله زیارت عاشورا به آرزوی آخرش رسید

● سفری خیل‌فرهنگ! خبرنگار گروه بانر و مفاومت

۱۶

«سرباز شصت و سه ساله» مستندی متفاوت برای بازشناسی شهید سلیمانی

● مستند شاه‌شاه‌گرمی! خبرنگار گروه فرهنگ

■ ساسان قلاقرخ، تهیه‌کننده مستند «سرباز شصت و سه ساله» در این مستند تلاش کردیم به سراغ حرف‌های برویم که تاکنون کمتر شنیده شده‌است. برای مثال در قسمت اول به دوره‌ای از زندگی حاج قاسم پرداخته می‌شود که ایشان در نوجوانی و در زمان مهاجرت از روستا به کرمان، علاقه‌مند به حکومت پهلوی بوده‌و حتی ماجرای او درگیری او با فرزند صاحب یک هتل روایت می‌شود. سپس مسیر تحول فکری حاج‌قاسم از این مرحله امپارزه‌ری پیروزی انقلاب اسلامی به تصویر کشیده می‌شود. ما تاریخ را روایت می‌کنیم؛ ما دوران کودکی حاج قاسم را بدون قضاوت روایت کرده‌ایم. حاج قاسم یک فرد صرف نیست، بلکه یک سبک‌فکر و یک مکنت است | **صفحه ۱۶**

۳

موج سواری اینفلوئنسرهای ایرانی روی کریسمس غربی

● بهرحاجرفی! خبرنگار گروه اجتماعی

■ حالا فقط چند روز پس از برگزاری این آیین ملی، فضای مجاری و شبکه‌های اجتماعی به به‌خصوص صفحات بلاگرها و اینفلوئنسرها پر شده‌از عکس‌ها و فیلم‌هایی که در کنار درخت کریسمس و با پوشیدن لباس بابانوئل و تزیینات کریسمسی گرفته‌اند! همچنان که حال‌ساعت خرید تزیینات و وسایل و برگزاری مراسم‌های مرتبط با هالووین، ولنتاین و سایر جشن‌ها و مراسم‌هایی که هیچ کدامشان هیچ جایی در فرهنگ و سنت‌های ایرانی ندارند را شاهد هستیم، اما چرا ما ایرانی‌ها هم نوروز را جشن می‌گیریم و هم کریسمس را!

۴

برنج ۱۴۳هزار تومانی در راه است؟

● بهمنافقسنی! خبرنگار گروه اقتصادی

■ گفتار درماتی وزیر جهاد و رئیس‌جمهور در خصوص ارزان شدن قیمت برنج بی‌فایده بود. وزیر جهاد کشاورزی مدعی است برنج ارزان می‌شود اما شرایط بازار از حذف این کالای مهم از سبد معیشت خانوار حکایت دارد. عضو هیئت مدیران انجمن واردکنندگان برنج در این خصوص گفت: اگر نرخ ارز در تالار دوم ۱۱۰ هزار تومان ثابت بماند مرتبط با هالووین، ولنتاین و سایر جشن‌ها و مراسم‌هایی که هیچ کدامشان هیچ جایی در فرهنگ و سنت‌های ایرانی ندارند را شاهد هستیم، اما چرا ما ایرانی‌ها هم نوروز را جشن می‌گیریم و هم کریسمس را! ۱۳۳ هزار تومان خواهد بود



مجتبی طحان:

خانواده، مهم‌ترین حلقه‌زنجیر ه‌ایمنی در برابر بحران‌هاست



طیب طاهرزاده:

آموزش پیش از بحران تاب‌آوری جامعه را بالا می‌برد



حسام‌الدین نراقی:

عمده خسارات زلزله‌بم محصول بی‌توجهی به نشانه‌ها بود



معصومه کمال‌الدینی:

جهان زیست‌خانوادگی پایه مدیریت روانی و اجتماعی بحران است



پرونده ویژه «چوان» به مناسبت روز ایمنی در برابر زلزله و کاهش بلایای طبیعی

حادثه خبر می‌کند!

● معجوبه فریانی-نیروه‌ساری | خبرنگار گروه سبک‌زندگی |سفحلت ۸،۷و ۹

تغییر زبان صهیونیست‌ها از تهدید به ترید

اخیراً رژیم صهیونیستی از زبان تهدید صریح به زبان تردید، احتیاط و هشدار نسبت به هزینه‌های جنگ مجدد با ایران تغییر موضع داده است. ادبیاتی که پیش تر بر بسود از ادعای پیروزی قاطع، نابودی پایدار توان موشکی و هسته‌ای جمهوری اسلامی و حتی تهدید به تکرار حملات گسترده اکنون جای خود را به اعتراف به بازسازی سریع توانمندی نظامی ایران، نگرانی از زرادخانه موشکی احیا شده و ناتوانی گزینه نظامی در خشتی سازی دائمی تهدیدسیرده است.این تغییر، محصول تحول در موازنه قدرت و ادراک تهدید و نشانه‌ای از شکست استراتژیک تل آویو و پذیرش واقعیت‌های میدانی است.

از زیاده‌های اولیه صهیونیست‌ها پس از جنگ، از نابودی ۵۰ درصدی بر تانگه‌ها و تأخیر طولانی در برنامه موشکی سخن می‌گفتند، اما گزارش‌های اخیر اطلاعاتی رژیم ادغان می‌کنند که ایران نه تنها ظرفیت تولید موشک را احیا کرده، بلکه زرادخانه موشک‌های سنگین خود را بازسازی کرده و خطوط تولید زیرزمینی خود را گسترش داده است. این معجزه جوانان ایرانی، پنجره فرصت ادعای صهیونیست‌ها را از بین برده و ثابت کرده که حملات هوایی جانی‌تکانه، نمی‌توانند چرخه تولید توزیع‌شده و خودکفای ایران را متوقف کنند. از طرفی جنگ ۱۲ روزه، مصرف گسترده هتگیرها حتی با کمک امریکا و حسسارات اقتصادی- انسانی ناشی از نفوذ موشک‌های ایرانی، به دشمن یادآوری کرد که دور بعدی درگیری، هزینه‌ای غیر قابل تحمل خواهد داشت. اکنون مقامات صهیونیست علناً «تهدید واقعی موشک‌های ایران» سخن می‌گویند و هشدار می‌دهند که بدون اقدام پیشگیرانه، ایران می‌تواند به تولید سالانه هزاران موشک برسد.

آنچه امروز در مواضع مقامات، تحلیل‌گران و رسانه‌های صهیونیستی درباره ایران دیده می‌شود، محصول اثرات ژرف حملات موشکی و پهنیادی ایران و اثر ویولن‌گران، تغییر معادلات قدرت در منطقه و ناکامی رژیم صهیونیستی در پیشبرد اهداف خود و آماده‌سازی پرسرعت توان نظامی ایران برای پاسخی قدرتمند، پرتیرنگ و تمام‌کننده به هرگونه شرارتی است که نتیجه آن، عقب‌نشینی تدریجی از «گزینه نظامی» و جایگزینی آن با راهبرد «همراه از درون» شده‌است. شاید در بدو امر به نظر برسد که ما با یک جنگ ادراکی برای فریب مواجه هستیم ولی مجموع تحولات منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد که این تغییر ادبیات، واقعاً نشان از یک تحول راهبردی و بازتابی از موازنه قدرت است. تغییر ادبیات از «ضربه قاطع» به «ادبیات «مد تحمل هزینه‌ها» و «اتوانی در کنترل پیامدها»، نشانه‌ای از کاهش کارآمدی ابزارهای پیشین است. همچنین این افزایش تأکید بر قدرت موشکی ایران، خاطر پاسخ متقابل و ناتوانی در ورود به یک جنگ دوم، نشان‌دهنده تضعیف‌دکترین دیرپای «هرتری نظامی مطلق» رژیم صهیونیستی است؛ دکتریی که سال‌ها ابزار اصلی اعمال بازدارندگی و ارباع منطقه‌ای این رژیم محسوب می‌شد.

بر اساس نظر به‌بازراندگی، توان تحمل هزینه‌های غیرقابل قبول، حتی بدون برتری کامل نظامی، می‌تواند مانع جنگ شود. توان موشکی ایران، در کنار قابلیت پاسخ مؤثر و چندلایه، نوعی بازدارندگی متقابل نامتقارن ایجاد کرده‌است و وضییتی که در آن جنگ نه ابزار حل مسئله، بلکه منسأ بحران‌های کنترل‌ناپذیر است. اعتراف ضمنی و حتی صریح به این واقعیت «تهدید ایران را نمی‌توان با جنگ خشن کرد» در واقع پذیرش این واقعیت است که گزینه نظامی، بیش از آنکه ابزار فشار باشد، به عامل بازدارنده علیه خود رژیم صهیونیستی تبدیل شده‌است. به‌خصوص که این رژیم در همان جنگ ۱۲ روزه تقریباً از عمده‌ابزارهای نظامی خود استفاده کرد و حتی با همکاری ایران رهنجت خودشن، میان کشید. موضوعی که تکرار آن با توجه به چالش‌های جهانی و داخلی امریکا و دقت در سند جدید امنیت ملی امریکا که اخیراً منتشر شد محل تردید جدی است.

جنگ در دنیای معاصر، صرف تقابل نظامی نیست، بلکه از منون ظرفیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تاب‌آوری ملی است. شکست‌های عمیق اجتماعی، بحران مشروعیت سیاسی، فرسایش اعتماد عمومی و وابستگی بالا به حمایت خارجی، ظرفیت اسرائیل برای تحمل جنگ‌های پرهزینه را به‌شدت محدود کرده است. بر اساس نگرش سنجی‌ها داخلی رژیم صهیونیستی، جامعه این رژیم ظرفیت جنگ فرسایشی شدید با یک قدرت بزرگ مانند ایران را ندارد و مشخص است که جنگ مجدد مانند جنگ قبلی، ۱۲ روزه پایانی نخواهد یافت. از این منظر، سخن گفتن از «توانی در جنگ دوم» بیاترگ بحران ظرفیت ملی برای تحمل فشارهای راهبردی و تاب‌آوری اجتماعی است؛ بحرانی که مستقیماً بر محاسبات امنیتی اثر می‌گذارد.

بر اساس تئوری حلقه‌های استراتژیک و مراکز ثقل که در همه جنگ‌های اخیر امریکا مورد استفاده قرار گرفته، برای از بین بردن قدرت حرکت و حیات یک کشور باید به مراکز ثقل آن کشور نفوذ کرد و آنها مورد تهاجم قرار داد و اگر بر کز ثقل اصلی مورد هدف قرار گیرد کل سیستم دچار روپاشی خواهد شد. با توجه به جمع اظهار نظر ها و نظرات اندیشکده‌های غربی و صهیونیستی، روشن است که بر نابودی انسجام داخلی و اعتماد عمومی ایرانیان به حکومت و پیوند مردم- مردم و مردم- حاکمیت ایران به عنوان نقطه ثقل اصلی و کلوانی و عامل اصلی شکست جنگ ۱۲ روزه، تمرکز ی شدید صورت گرفته‌است و نابودی آن به عنوان مقدمه اصلی روپاشی ایران مورد توجه جدی قرار گرفته است.

در واقع دشمن با هدف «ایجاد شکاف داخلی» و «تضعیف انسجام اجتماعی» بر تقویت عملیات سایبری، خرابکاری اقتصادی و جنگ روانی برای تحریک ناراضی‌ها، به‌پرمداری از فشار تحریم‌ها و حمایت از فتنه‌های قومی- اجتماعی برای ایجاد تفرقه در جامعه و هماهنگی با امریکا برای فشار دیپلماتیک- اقتصادی، به جای عملیات نظامی برخطر تمرکز کرده‌است. در چنین شرایط خطیر و تاریخی‌ای که تقابل با دشمن به مراحل حساس، سرنوشت‌ساز و وجودی رسیده‌است، مردم مسئولان نیازمند هوشمندی و پیوستگی و تکلیف خود هستند. مسئولان تصمیم‌گیران نیز توجه داشته باشند که تقویت امنیت ملی در عصر جنگ شناختی، بدون توجه جدی به انسجام اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی ممکن نیست. مدیریت هوشمند تفرقه‌های اجتماعی، کاستن از فشارهای معیشتی، اولویت‌دادن واقعی به عدالت اقتصادی در سیاست‌گذاری و ارائه بودجه‌های کارآمد، شفاف و مردم‌پایه و باید با افزایش تاب‌آوری ملی، الزامات مهم امنیت ملی در شرایط کنونی هستند.

مردم و نخبگان اجتماعی نیز باید هوشیار باشند که شناخت هدف دشمن، شرط نخست خشتی سازی آن است. دامن زدن به دوقطبی‌ها، تقابل‌های فرسایشی و شکاف‌های هویتی – آگاهانه یا نا آگاهانه – بازی در زمین راهبرد دشمن است. حفظ وحدت و مراقبت از سرمایه اجتماعی، امروز نه یک توصیه اخلاقی، بلکه یک کنش راهبردی است. امروز همه ایرانیان از هر قومیت و ایینی و از هر سلیقه و گرایش سیاسی، یک ملت واحد هستند که در یک کشتی واحد مستقر هستند که مورد تهاجم دشمن است، از این رو هر کس باید با شناخت شرایط خطیر کنونی تمام تلاش خود را در خشتی سازی اراده دشمن انجام دهد.

تغییر ادبیات رژیم صهیونیستی درباره ایران، نشانه ورود تقابل به مرحله‌ای جدید است، مرحله‌ای که در آن، موشک‌ها در کنار واژه‌ها و پندفداها در کنار انسجام اجتماعی معنا پیدا می‌کنند. اگر دیروز میدان نبرد در آسمان و زمین بود، امروز در ذهن و قوه شناختی و ادراکی و هماهنگی امتداد یافته‌است. در این نبرد، پیروزی از آن جامعه‌ای است که اختلافاتش را مدیریت کند، معیشت و اقتصادش را ارتقا دهد و روایتش را خودشن بسازد و انسجامش را زمین کند. انسجام اجتماعی و وحدت ملی، امروز فقط یک فضیلت اخلاقی یا حتی اجتماعی نیست؛ خط مقدم امنیت ملی و جلوگیری از نابودی هویت و تاریخ و رفتارخود و سربلندی به نام ایران است.

پزشکیان: نقد منصفانه را می‌پذیریم



رئیس‌جمهور با بیان اینکه رویکرد دولت همواره تعامل، تقویت همکاری و انسجام ملی و پرهیز از تقابیل و تنش بوده‌است تصریح کرد: تمرکز بر ارائه واقعیت‌ها، بیان اقدامات انجام‌شده و نقاط مثبت می‌تواند به افزایش امید و اعتماد عمومی کمک کند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری، یکصد و سی و نهمین جلسه هیئت دولت صبح دوشنبه ۲۷ به ریاست دکتر مسعود پزشکیان برگزار شد. در ابتدای این جلسه گزارشی دربارهٔ نحوه تعامل برخی برنامه‌های زنده صدا و سیما با دولت ارائه شد. در این گزارش بر لزوم رعایت اصول حرفه‌ای رسانه‌ای و حفظ بی‌طرفی در برنامه‌ها تأکید و مطرح شد که در مواردی فضای گفت‌وگو از چارچوب طبیعی خارج شده و رویکردی تخریبی نسبت به

رئیس‌جمهور در واکنش به این موضوع، با تأکید بر اینکه رویکرد دولت همواره تعامل، تقویت همکاری و انسجام ملی و پرهیز از تقابل و تنش بوده است، بر ضرورت ایجاد فضای منصفانه نسبت به تیرین عملکردها به‌ویژه در رسانه ملی تأکید و تصریح کرد که تمرکز بر ارائه واقعیت‌ها، بیان اقدامات انجام‌شده و نقاط مثبت می‌تواند به افزایش امید و اعتماد عمومی کمک کند. در ادامه، رئیس‌جمهور با

فضایی

رئیس قوه قضائیه، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از وقوع جرم را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانست و گفت: در هرصحنه پیشگیری از وقوع جرم نیز سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل نظاممند، هدفمندو تخصصی بودن، از کارایی و تأثیرگذاری زیادی برخوردارند، از این رو جلب مشارکت منصفانهٔ آنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به گزارش مرکز رسانه ققضائیه، نشست شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم به ریاست ججت‌الاسلام گل‌احمدلحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه و بااستدویر جلسه تقسیم‌کار ملی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای پیشگیری از وقوع جرم» به گزار شد. محسنی‌اژه‌ای رئیس شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در این نشست با اشاره به اهمیت نقش آفرینی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در مقوله

هسته‌ای

رئیس سازمان انرژی‌اتمی با تأکید بر اینکه برای بازرسی از تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده دستورالعمل مدونی وجود ندارد، گفت: تا این موضوع تعیین نشود، فشار سیاسی و روانی و پیگیری‌های بی‌ربط برای بازرسی دوباره از تأسیسات بهیماران‌شده و تکمیل عملیات دشمن پذیرفته نیست و پاسخ داده نخواهد شد. به گزارش ایرنا، محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی روز گذشته در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران با اشاره به جلسه سه‌شنبه شب شورای امنیت و نکات مطرح شده در آن گفت: دیگر نمی‌توان گفت نکات مطرح شده در این نشست باعث تأسف است بلکه ما باید خوشحال باشیم که نقش و فشاری که امریکایی‌ها در این ۲۵ سال بر صنعت هسته‌ای ایران وارد کردند امروز دیگر کملاً واضح شده‌است و در سند استراتژی امنیت ملی‌شان هم به‌وضوح نوشتند که منافع امریکا را از طریق سازمان‌های بین‌المللی پیگیری نمی‌کنند و همان‌قانون جنگل و زور همچنان در دستور کارشان باشد.

رئیس سازمان انرژی اتمی با اشاره به اینکه گزارش، باینانه و استنادی که در نشست شورای امنیت انجام شد کملاً غیر حرفه‌ای و غیر موقوف بود، گفت: مدت قطعنامه ۲۲۳۱، تمام‌شده‌است اما حتی اگر هم

پزشکیان: نقد منصفانه را می‌پذیریم



وسیمایضمن‌ضمین‌پذیرش این ضرورت و ابراز تأسف از برخوردهای پیش آمده، توضیحاتی در خصوص مسائل و مباحث مطرح‌شده ارائه داد.

■ **ابراز رضایت از فضای نشست غیر علنی مجلس**

در بخش دیگری از جلسه، علاوه بر ارائه گزارش‌های اجرایی دستگاه‌ها توسط وزیران، رئیس‌سازمان برنامه و بودجه کنه روزگارشای جامع از جلسهٔ غیر علنی و علنی روز سه‌شنبه مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. در این گزارش، به مباحث مطرح‌شده دربارهٔ کالایرگ، ارزش و قیمت‌ها اشاره و تأکید شد که جلسات برگزار شده در فضایی محترمانه و کارشناسی انجام شده و از این روند ابراز رضایت شد. در ادامه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گزارشی از برنامه‌های مرتبط با یک‌هزار و پانصدمین سالگرد ولادت نبی‌گرمی اسلام(ص) ارائه و اعلام کرد که این موضوع در پی‌نویشتوق و همکاری وزرای امور خارجه سازمان همکاری اسلامی به تصویب رسیده‌و در دستور کار تمامی کشورهای عضو قرار گرفته‌است.وی هدف از این برنامه‌ها بهره‌گیری از سیره پیامبر اکرم(ص) برای ترویجوق و همکاری میان همه گروه‌ها و فرق اسلامی عنوان کرد.

■ **اجرای سیرنوی، راهکار مقابله با تفرقه**

دکتر پزشکیان

در بخش دیگری از زحمات وزارت

در نشست شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم تأکید شد

استفاده از ظرفیت‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم

پیشگیری از وقوع جرم، اظهار کرد: تقویت رویکرد مشارکت و افزایش تعامل نهادهای مردمی با دستگاه‌های حاکمیتی، همواره یکی از اهداف نظام بوده‌است. رئیس قوه‌قضائیه گفت: تسهیل عملکردنهادهای مردمی در همه‌ساخت‌ها، به‌ویژه ساخت پیشگیری از وقوع جرم، یک امر ضروری است و باید همه دستگاه‌ها و بخش‌های صلاح‌به‌تحقق این مهم، همت گمارند. رئیس دستگاه قضا تصریح کرد: ایجاد درگاه و پنجره واحد برای برگزاری و ثبت اطلاعات سازمان‌های مردم‌نهاد، از جمله موفقه‌هایی است که به‌شمارشمارکت آنها در امر پیشگیری از وقوع جرم منتهی می‌شود. «طراحی و راه‌اندازی درگاه جامع مشارکت‌های اجتماعی به عنوان پنجره واحد و ایجاد دستیار هوشمند مردمی در خط و رایگان برای متقاضیان و سازمان‌های مردم‌نهاد توسط وزارت کشور»، «شناسایی،

رئیس سازمان انرژی اتمی:

بازرسی از تأسیسات بمباران‌شده تکمیل عملیات دشمن است

گروسی در زمین دشمن ایفای نقش می‌کند



۶۸ پادمان فقط آسیب‌ها و حوادث طبیعی قید شده: حمله نظامی و جنگ در آن دیده نشده‌است. گفت: اگر از آنس با جنگ و حمله نظامی موافق است این را باید مصوبه کنند و بگویند بله، حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان مجاز است اما اگر مجاز نیست، باید محکوم کنند و تعیین محکوم کنند. باید اعلام شود که شرایط بعد از جنگ چیست؟ اگر که شرایط بعد از جنگ ملون است، از آنس اعلام کند، تا مطابق آن رفتار جنگ ملون است، از آنس نوشته باشند عدم انطباق یا انحراف از موازین پادمان. بنابراین این رویکرد و تصمیم فرد فشار حداکتری و برای مردم آزاری و تضعیف مردم ایران است که هیچ جایگاهی ندارد و ما به آن وقعی نمی‌گذاریم. فعالیت‌های ما کملاً صلح‌آمیز است و در مسیر پیشرفت کشور اقدام می‌شود.

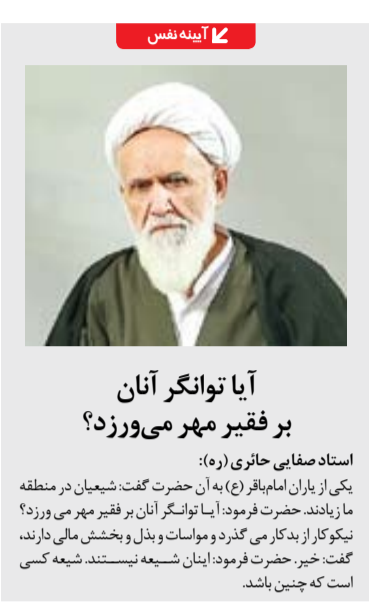
معاون رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه در خصوص همکاری درباره مراکز که بمباران شده، در ماده

پزشکیان: نقد منصفانه را می‌پذیریم

اساس این گزارش، سه روز پس از جنگ ۱۲ روزه، کمک‌هایی به شهرداری‌های سراسر کشور انجام شده که از جمله آن می‌توان به توزیع ۱ هزار و ۲۲۸ دستگاه اتوبوس درون‌شهری، ۱ هزار و ۱۵۷ دستگاه ون شهری، ۲۰ هزار و ۹۸۸ دستگاه خودرو آتش‌نشانی و خدمات عمومی، و ۱ هزار دستگاه نسیان کمپرسی و ۱ هزار دستگاه آماده تحویل دیگر اشاره کرد. علاوه بر این، ۲ هزار و ۶۰۴ دستگاه ماشین‌آلات عمرانی شامل لوادر، بلدوزر و بیل مکانیکی در اختیار شهرداری‌ها قرار گرفته‌است. در این گزارش همچنین تصریح شد که ۷۴۵ همت پروژه نیمه‌تمام در شهرداری‌ها و دهیاری‌ها وجود دارد و تاکنون ۲۸ هزار و ۹۱۵ پروژه به مرحله افتتاح رسیده‌است. همچنین ۹ همت تسهیلات ارزان قیمت به شهرداری‌ها اختصاص یافته که منجر به ایجاد ۳ هزار و ۳۲۱ شغل شده‌است. در حوزه حمل‌ونقل ریلی نیز ۳۰۳ میلیون دلار برای خرید واگن اختصاص داده شده و مجموعاً ۱ هزار و ۷۷۰ واگن برای متروی تهران و سایر استان‌های دارای مترو پیش‌بینی شده‌است. همچنین تأمین ۴ هزار تاکسی برقی برای تهران و ۲ هزار تاکسی برقی برای سایر استان‌ها در دستور کار قرار دارد.

بر اینکه موضوع حمل‌ونقل در دولت چهاردهم از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه در اطراف تهران و چه در استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین در اتصال کریدورها قرار دارد و لازم‌است از هم‌اکنون حدود و نفوذ توسعه هر شهر به‌طور دقیق مشخص شود. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی شهرها و شهرداری‌ها تأکید و تصریح کرد: اداره وزارت نباید از طریق تراکم‌فروشی صورت گیرد و از سوی دیگر ضروری است که برنامه‌ای جامع برای حل مشکلاتی نظیر تأقیق و آلودگی هوا تدوین شود. دکتر پزشکیان از اولویت‌های اصلی است، اظهار داشت: تمرکز دولت بر توسعه خطوط ریلی، چه

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نویشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران‌اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



تسلیح ونز وولایی‌ها علیه ترامپ
مجتبی زارعی نوشت: وقتی ترامپ بدون خجالت از فروش نفتی که از ملت ونزوگلا زد دید، حرف می‌زد، پیر، جوان، زن و مرد ونزولایی حق دارند برای باز پس‌گیری نفت از دزدان در بیای ترمپ شاه و دفاع از وطن مسلح شده و دزدان را مجازات کنند!



یک پیام آتشین و مقتدرانه

لیلا فوزی توپیت کرد: روزهای گسترده و مقتدرانه ایران با شلیک موشک‌های بالستیک، پیامی آتشین و مقتدرانه داشت؛ همداری مستقیم به ترمپ‌های داخلی آن متوهم سودای جانشینی رهبری، مزدوران حقیر منطقه و نیز به دیدار نمایشی ترامپ و نتانیاهو. پیامی روشن و قاطع که بفهمند یا چه قدرتی طرفند و «کت تک کیه.»



بی‌خانمانی باز یگر امریکایی
کانال فرنگ نوشت با درج این تصویر نوشت: با زگر نقش «مارتین» در یکی از سریال‌های خاطره‌انگیز برای امریکایی‌ها حالا در ۳۶سالگی در کالیفرنیا بی‌خانمان شده‌است!

جنگ ترکیبی به دفاع ترکیبی نیاز دارد

علیرضا درویش نوشت: جنگ ترکیبی، پاسخ ترکیبی هم می‌خواهد. اگر شبهات و جنگ روانی بی‌سابقه فعلی دشمنان ایران پاسخ دقیق و آرایش رسانه‌ای مهاجم می‌طلبد؛ مسائل اقتصادی و معیشتی مردم نیز نیاز به اقدامات مؤثر قابل لمس و پاسخ دارد. اگر ایران در جنگ ترکیبی قرار دارد که هر ناظر عاقل و منصفی اذعان به آن دارد، دفاع هم باید ترکیبی باشد. اگر رسانه سنگر است، اقتصاد هم سنگر است. اگر در یک خاکریز موفق باشسید و در یک خاکریز دیگر ناتوان، پیروزی به دست نمی‌آید. مردم اقدام مؤثر قابل لمس می‌خواهند.

پنج‌شنبه ۴ دی ۱۴۰۴ | ۴ رجب ۱۴۴۷|||گایبران|||روزنامه جوان| شماره ۷۴۸۵

واکنش کاربران به یادداشت معاون عزل شده پزشکیان در نشریه فارن افرز

گرای ظریف به دشمن در فارن افرز



یادداشت حاوی پیام غلط که می‌تواند یک گرایه به دشمن محسوب شود، از سوی محمدجواد ظریف در نشریه فارن‌افرز واکنش کاربران فضای مجازی را دربرداشت؛ برخی از نظرات را سرور می‌کنیم.

مینا صابری

ظریف دروغگو در «فارن‌افرز» نسخه تازه‌ای از برجام را تبلیغ می‌کند؛ توافقی که فقط ابزار تحمیل و خلع سلاح ایران است. ملت ایران هرگز به واشینگتن تعهد نمی‌دهند، بلکه خیانتکارانند که باید پاسخگو باشند.

محمدرضا عسگری

محمدجواد ظریف، معاون غیر قانونی پزشکیان در فارن افرز؛ «جمهوری اسلامی به دنبال صلح و آسنتی و مذاکره‌ای فراتر از پرونده هسته‌ای با غرب و کشورهای منطقه است.

جناب مشنگ‌الممالک، جنابالی کی باشی که از طرف جمهوری اسلامی حرف بزنی.

سیدامیر حسین هاشمی

درحالی‌که مسئول دستگاه دیپلماسی کشور رسماً اعلام می‌کنه قصدی برای مذاکره با دولت جدید امریکانداریم، آقای ظریف در یادداشتی در فارن‌افرز نوشته: دولت پزشکیان برای مدیریت تنش با رئیس‌جمهور ایالات متحده آماده‌است! ای‌شون دقیقاً چه کاره هستند؟! این مواضع به چه اجاره‌های نوشته شده؟!

حمیدرضا

حتی اگر غیر قانونی بودن سمت ظریف را نادیده بگیریم، معاونت راهبردی هیچ شأن حقوقی برای تعیین و تبیین سیاست خارجی «نظام» ندارد که ایشان در مقاله فارن‌افرز از طرف «ایران» حرف زده است. حتی دولت و وزارت خارجه هم چنین شأنی ندارند و سیاست خارجی در نهادهای

فراقوه‌ای تعیین و تنظیم می‌شود.

جنلی

مقاله جدید محمدجواد ظریف در فارن افرز با عنوان: ایران راه صلح را چگونه می‌بیند.

منطقه ملی کشور و منطقه ضرر و خسارت حتی با امریکا من واقعاً نمی‌دونم چی تو

سر این می‌گذره که حرف از مذاکرات فراهستفای و منطقه‌ای می‌زنه،اما مشخصه

که با پزشکیان که بارها گفته هیچ‌ی از سیاست نمی‌دونه هم هماهنگ کرده و این ریلی هست که کل دولت چیده و می‌خوان این مسیر رو برن، اونم تو همچین شرایطی از منطقه و جنگ کردیدو ها!

محمدی

هنوز ۲۴ساعت از پالس ملتسمانه ظریف

گایبران

۷

جوان



حتماً نباید کمونیست بود تا در بازار دخالت کرد

سعید جلالیفر نوشت:بازار مسکن آزادترین بازار موجود است. بدون کوچک‌ترین اثری از دخالت‌گری، اثراتش را می‌بینید؟ قیمت‌های بی‌حساب و کتاب، اجاره‌های بی‌منطق. کسانی که رفاه شما را به بازار آزاد پیوند می‌زنند، می‌خواهند تمام جنبه‌های معیشت شما را از سفره‌تان گرفته تا آموزش و بهداشت، بالکل شبیه همان کنند. در آلمان قراردادهای اجاره تاریخ انقضا ندارند. ودیعه سه برابر اجاره است و هیچ‌گاه از شما طلب بیشتر نمی‌کنند. اجاره پرداختی در طول سالیان، مگر در مواردی خاص، تغییری نمی‌کند. ان‌جی‌اوهایی وجود دارد که خدمات و کالت و مشاوره می‌دهند. حتماً نباید کمونیست بود تا در بازار دخالت کرد.



چرا مردم به سینما نمی‌روند؟

صالح دلدم در کانال ستاره سینما نوشت: مردم به سینما نمی‌روند. در جهان هم سالن سینما یک سر گرمی منسوخ شده است و مردم به سمت سر گرمی‌های آنلاین و تلویزیونی رفته‌اند، اما در ایران سینما ورشکسته‌تر از دیگر کشورها با سرعت بیشتری به انقراض می‌رود. افت شش میلیونی مخاطب امسال سینمای ایران نسبت به سال قبل گواهی بر این مدعاست. هزینه‌های بالای زندگی و وضعیت اقتصادی و حقوق پایین اجازه نمی‌دهد بک خانواده یک شب برای سینما رفتن یک میلیون هزینه کنند. کیفیت پایین فیلم‌های ایرانی ناشی از فضای انحصاری ورود به سینمای ایران با تهیه‌کنندگان و کارگردانان و فیلمنامه‌نویسان تکراری و بعضاً بی‌سواد از مخاطب ایرانی سلب اعتماد کرده است. ورود تلویزیون‌های بزرگ به خانه‌ها در کنار اکران آنلاین فیلم‌ها با هزینه کمتر و کیفیت بهتر و فیلم دیدن خانوادگی و همچنین رقابتی چون شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی و داللود در فقدان قانون کپی‌رایت در ایران، باعث شده تا مردم خانه را به سالن سینما ترجیح دهند.

ایلان ماسک: گوشی موبایل، اپ و سیستم‌عامل تا ۵ سال آینده منسوخ می‌شود

کانال ایستار تاپس نوشت:ایلان ماسک در یادگست «Exp Rogan Joe- rience» شایعات مربوط به ساخت «گوشی X» را رد کرد و گفت ورود به این حوزه بی‌معنی است. او پیش‌بینی کرد موبایل‌ها در شکل امروزی تنها پنج تا شش سال دیگر دوام خواهند داشت. ماسک توضیح داد: ما قرار نیست یک گوشی در مفهوم سنتی خود داشته باشیم. آنچه ما امروز به عنوان موبایل می‌شناسیم، در واقع به یک گره لبه (Node Edge) برای استنتاج هوش مصنوعی تبدیل خواهد شد.» او افزود که در آینده دیگر سیستم‌عامل و اپلیکیشن‌ی وجود نخواهد داشت. مدیرعامل XAI همچنین ادعا کرد که طی همین بازه زمانی یا حتی زودتر، تنها محتواهای تولیدشده از سوی هوش مصنوعی وجود خواهد داشت. او پیش‌بینی کرد تمام نیازهای کاربر از سوی یک هوش مصنوعی بسیار قدرتمند برآورده می‌شود. به گفته او در گوشی آینده تنها صفحه‌نمایش و صدا اهمیت خواهد داشت تا بیشترین میزان استفاده از هوش مصنوعی فراهم شود. ماسک تأکید کرد این روند باعث می‌شود نیاز به انتقال داده به سرورها به حداقل برسد.

افزایش حقوق یا کاهش برنامه‌ریزی شده آن!

کانال ژئوپلیتیک رسانه نوشت:تگویییم افزایش حقوق ۲۰ درصدی، بگویییم کاهش حقوق ۳۰درصدی! افزایش ۲۰درصدی حقوق در مقابل تورم ۵۰درصدی، نوعی فریب جالب است، چراکه در واقع این تصمیم باعث کاهش ۳۰درصدی حقوق نسبت به تورم (رسمی)، متأسفانه

سال‌هاست تکرار این رویه موجب فقیر تر شدن کارمندان شده است.ا اغلب اصناف و اقشار مختلف جامعه، متولی، اتحادیه و صنف‌های دارند که در شرایط مختلف به ویژه افزایش حقوق و دستمزد (و حتی گرانسازي کالا و خدمات) از آنها حمایت می‌کنند، اما فقط کارمندان هستند که هیچ حامی ندارند و هر سال نگاه آنها به بودجه سالانه و تصمیم دولت و مجلس است. متأسفانه دولت با عادی‌سازی فشار معیشتی و تکرار سیاست‌ها و تصمیم‌های عجیب و غریب، سفره کارمندان را کوچک‌تر و قدرت خرید آنها را از بین برده است‌ا

امروز دیگر هیچ کارمندی فرزند خود را نصیحت نمی‌کند که علم بهتر از ثروت است، چراکه وقتی تحصیل، تخصص و سال‌ها خدمت نمی‌تواند معیشت و نیازهای اولیه یک خانواده را تأمین کند، هیچ عقل سالمی در چنین شرایطی علم را بر ثروت ترجیح نمی‌دهد چون مسیر پیشرفت و زندگی نه از دانش و دانایی، بلکه از راه رانت و جمع‌آوری ثروت و... دست‌یافتنی‌تر است...



بهرمند می‌شوند. جاشوا گودمن، استاد دانشگاه بوستون، یافته‌ای مشابه را در سطح دانشگاه نشان داد:اگر یکی از فرزندان خانواده وارد دانشگاه برتری شود، احتمال موفقیت دانشگاهی خواهر و برادرش نیز بیشتر می‌شود. این تخمین می‌زند که تا یک‌سوم شباهت‌های تحصیلی خواهر و برادرها ناشی از همین «اثر نشت» است، اما این تأثیر همیشه مثبت نیست. در خانواده‌های محروم، افت تحصیلی یکی از فرزندان می‌تواند به دیگری هم منتقل شود و چون نمرات تحصیلی پیش‌بینی‌کننده وضعیت اقتصادی‌اند، این مسئله می‌تواند به شکاف طبقاتی دامن بزند. خواهر و برادرها خیلی مهم‌تر از چیزی هستند که غالباً فکر می‌کنیم. گامگی یک تصمیم کوچک، گفت‌وگوئی ساده یا حتی سکوت آنها در زمان مناسب سرنوشت را تغییر می‌دهد. آنچه‌خوآندیدمروری کوتاه‌است بر مطلب «اگر این حرف‌ها را پدر و مادر می‌زدند، احتمالاً نایب‌ده‌شان می‌گرفته» که در سی‌وششمین شماره مجله ترجمان علوم انسانی منتشر شده است. این مطلب گزارشی است از «The Surprising Ways That Siblings Shape Our Lives» که نوشته سوزان دامینس است. این مطلب در تاریخ ۶ مه ۲۰۲۵ و در وب‌سایت نیویوک تایمز مگزین منتشر شده‌است.

انها فرزندان کوچک‌تر خانواده بودند. پژوهشگران این مطالعه نتیجه گرفتند که رقابت غیررسمی با خواهر و برادر بزرگ‌تر سطح بازی این دختران را بالا برده است. جونا برگر، در کتاب تأثیر نامرئی به مطالعه‌ای اشاره کرده که نشان می‌دهد فرزندان کوچک‌تر، حتی اگر خواهر و برادرشان در رشته ورزشی مشابه نباشند، باز هم در ورزش‌های رقابتی بیشتر می‌درخشد. شاید برای آنکه خود را از موفقیت‌های تحصیلی خواهر و برادر بزرگ‌تر متمایز کنند.

اما زانگ، جامعه‌شناس دانشگاه ییل، داده‌های هزاران دانش‌آموز را بررسی کرد و نشان داد که خواهر و برادرهای کوچک‌تر، عمیقاً از موفقیت تحصیلی فرزند بزرگ‌تر خانواده

بلکه نشان‌دهنده محدودیت توانایی‌های آنها در تربیت است. ژنتیک انقدر مهم است که شخصیت خواهر و برادرها ممکن است در نهایت همانقدر از هم متفاوت بشود که شخصیت دو غریبه که تصادفاً در خیابان از کنار هم رد می‌شوند. در سال‌های اخیر عامل دیگری نیز در این زمینه مورد توجه بسیار قرار گرفته است: خواهر و برادرها، ایسون گوینیک، روانشناس رشد می‌گوید: «اگر والدین ستاره‌هایی‌اند دور و همیشگی، خواهر و برادرها شهباب‌هایی سوزان و تأثیر گذارند که از نزدیکی‌ات رد می‌شوند.» در مطالعه‌ای روی حدود ۲۵۰ بزرگ‌کن فوتبال زن که عضو تیم‌های ملی نوجوانان امریکا بودند، مشخص شد که سه‌چهارم



دلگرمی‌های وحی

پروردگارت تو را هرانکرده و دشمن نداشته است.

(ترجمه محمدعلی کوشا)

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

(سوره زمر، آیه ۵۳)

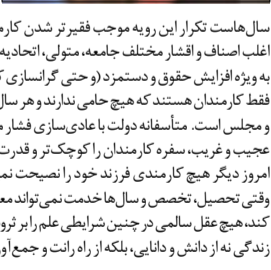
بگوی ای بندگان من - همانان که زیاده‌روی کردند [در گناه] بر [آزبان] خویش -نومید مشوید از رحمت الله، همانا الله می‌امزد گناهان را همگی، همانا او خود آن آمرزنده مهربان است. (ترجمه محمود حسن شیخ‌الهند)

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ إِنَّهُم مِّنْ عَمَلٍ مِّنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ نَأْتِنَهُمْ بَعْدَهُ وَأَصْلَحُوا فَآلَهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

(سوره انعام، آیه ۵۴)
و هر گاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند بگو: سلام بر شما! پروردگارتان رحمت را بر خود واجب کرده است که هر کس از شما ز روی نادانی کاری نایسند انجام دهد و پس از آن، توبه کند و اعمال خود را به صلاح و سامان آرد، آیداند که او است! آمرزگار مهربان.

(ترجمه کریم‌زمانی)
هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

(سوره احزاب، آیه ۴۳)
اوست آنکه رحمت می‌کند بر شما و فرشتگان او تا بیرون آرد شما را از تاریکی‌های سوزی‌روشنایی و هست به مؤمنان مهربان. (ترجمه تفسیر طبری)



📸 تصویر منتخب



📍 جاده چالوس



وقتی بحران فراتر از یک حادثه است

ایران کشوری حادثه‌خیز است. از زلزله و سیل گرفته تا آتش‌سوزی‌ها و حوادث محیط‌زیستی، هربار بخشی از جامعه را درگیر می‌کنند و خانواده‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهند که نه تنها با خسارت‌های مادی بلکه با آشفتنگی روانی، اجتماعی و حتی اخلاقی مواجه می‌شوند. در این میان، تجربه مجموعه‌های مردمی که در دل بحران و کنار خانواده‌ها حضور داشته‌اند، تصویری واقعی‌تر و گاه متفاوت از آنچه در گزارش‌های رسمی دیده می‌شود، ارائه می‌دهد. تصویری که نشان می‌دهد مسئله فقط «وقوع بحران» نیست، بلکه «تجو» مواجهه خانواده‌ها و جامعه با بحران «است که شدت یا کاهش خسارت را رقم می‌زند. رضا مرادی، مدیر یکی از مجموعه‌های مردمی فعال در حوزه امداد رسانی و تاب‌آوری اجتماعی، با نگاهی میدانی و صریح، معتقد است: بخش قابل توجهی از مشکلات، نه از کمبود منابع بلکه از خطاهای رفتاری، ضعف آموزش، نبود اعتماد اجتماعی و گاهی سوءاستفاده از موقعیت بحران ناشی می‌شود! صفحه ۸



پرونده ویژه «جوان» به مناسبت روز ایمنی در برابر زلزله و کاهش بلایای طبیعی

حادثه خبر می‌کند!

اسفندیار پور



مجتبی طحان، مدرس دانشگاه و معاون آموزش و پژوهش جمعیت هلال احمر استان خوزستان:

خانواده، نخستین و مهم‌ترین حلقه زنجیره ایمنی در برابر بحران هاست



طیب طاهرزاده، معاون آموزش و پژوهش جمعیت هلال احمر استان فارس:

آموزش پیش از بحران تاب‌آوری جامعه را در برابر حوادث بالا می‌برد



حسام‌الدین نراقی، کنشگر توسعه و فعال غیردولتی در حوزه مدیریت شرایط اضطراری و بحران:

عمده خسارات زلزله به محصول بی‌توجهی به نشانه‌ها بود



دکتر معصومه کمال‌الدینی، جامعه‌شناس، پژوهشگر بحران و عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران:

جهان زیست خانوادگی پایه مدیریت روانی و اجتماعی بحران است

زلزله بم و ضرورت عمل امروز

یادگار خاک و درس ایمنی

اجرا، رسانه‌های که تنها بعد از حادثه فعال شود، در واقع مسئولیت اصلی خود را پشت گوش انداخته است. در همین رابطه، کتاب، پژوهش و آرشئولوژی حوادث طبیعی در ایران جایگاه روشنی ندارد. بسیاری از کشورها آرشئولوژی و موزه‌های طبیعی از حوادث طبیعی خود یاد دارند. نه برای تشدید درد یا یادآوری خسارت‌ها، بلکه برای تبدیل تجربه به دانش ساختاری. این آرشئولوژی‌ها پایه تصمیم‌سازی‌های بلندمدت‌اند. از تدوین قوانین ساخت‌وساز تا بهبود راهبردهای مدیریت بحران و آموزش عمومی. نبود چنین آرشئولوژی‌ها در ایران باعث شده است ما بارها و بارها همان اشتباهات را تکرار کنیم بی آنکه راهکارهای علمی و تجربه شده را به کار بگیریم. فناوری و سیستم‌های هشدار نیز بخش دیگری از واقعیت مدیریت بحرانند که در ایران هنوز به شکل مؤثر اجرا نشده‌اند. هیچ فناوری نمی‌تواند وقوع زلزله یا سیل را متوقف کند، اما می‌تواند تائیه‌هایی حیاتی برای واکنش فراهم کند. تائیه‌هایی که می‌تواند بین مرگ و زندگی تفاوت ایجاد کند.

هشدار سریع، قطع خودکار گاز و برق، هشدار پیامکی عمومی، فعال‌سازی سامانه‌های امدادی و ماینیورینگ زنده‌سازها، همه ابزارهایی هستند که اگر با برنامه‌ریزی و آموزش همراه شوند، می‌توانند تلفات را به طرز قابل توجهی کاهش دهند. اما اگر این ابزارها فقط روی کاغذ بمانند یا نصب شوند بدون پشتیبانی آموزشی و ساختار نظارتی، بیش از آنکه مفید باشند، توقع کاذب ایجاد می‌کنند. سالگرد زلزله بم - پنجم دی - نباید به سنتی تکراری بدل شود که هر سال با همان جملات و عکس‌های مشابه مرور شود. این روز باید روز ارزیابی ملی باشد؛ روزی که از خود بپرسیم وضعیت ایمنی شهرها نسبت به سال گذشته چگونه شده، چند مدرسه اداره و مانور واقعی انجام داده‌اند، رسانه‌ها چه محتوایی آموزشی ارائه کرده‌اند، سیستمی بحران چه اثری تولید کرده است و چه فناوری‌هایی به مرحله عملیاتی رسیده‌اند. اگر برای این پرسش‌ها پاسخ دقیق و قابل اندازه‌گیری نداشته باشیم، یعنی هنوز در مسیر درستی حرکت نمی‌کنیم و خطر همچنان تهدیدی جدی برای ماست. سینما در این میان جایگاهی ویژه دارد، زیرا ما ملتی روایت‌محوریم. تجربه‌های ما وقتی به شکل تصویر و داستان در ذهن مردم نقش ببندد، حافظه جمعی را شکل می‌دهد که می‌تواند چرخه اشتباه را بشکند. اما این سینما باید دقیق، پژوهشی، مسئولانه و واقع‌بینانه باشد. سینمایی که تنها بر غم و اندوه تکیه کند، نه آگاهی می‌سازد و نه توانمندسازی، بلکه باید بر تحلیل علت‌ها، نمایش راه‌حل‌ها، بازنمایی چگونگی‌ها و مسئولیت‌پذیری نهادها تمرکز کند تا بتواند به تغییر واقعی رفتار انسانی و ساختاری کمک کند. زلزله بم فراتر از یک حادثه طبیعی است؛ آینه‌ای است که ضعف‌های تاریخی، ساختاری و فرهنگی ما را لازم است رفتار جمعی، سیاستگذاری، آموزش عمومی و ساختارهای مدیریتی را به صورت شعاع، بلکه به صورت عمل به چالش بکشیم. تنها زمانی می‌توانیم بگوییم از تجربه بم آموخته‌ایم که دیگر شاهد تکرار آن فاجعه نباشیم - نه فقط در خاطر، بلکه در ساختار ایمنی و زندگی روزمره. اگر امروز درس بم را جدی نگیریم، فردا باز هم باید با ویرانه‌ها روبه‌رو شویم.



آموزش، هشدار و فرهنگ‌سازی در برابر بلایای طبیعی تبدیل شود. آموزش زمانی مؤثر است که در دل روایت قرار بگیرد. کشورهایمانند ژاپن و ایالات متحده از این واقعیت آگاهند و سال‌هاست که آموزش در زندگی روزمره مردم - جریان دارد در مدرسه، رسانه‌ها، برنامه‌های عمومی و محتوای تصویری. مردم آن کشور به جای اینکه صرفاً بدانند در لحظه بحران چه باید کنند، آن رفتارها را بارها تمرین کرده‌اند. این «تمرین مداوم» و «آموزش در بستر زندگی» است که تاب‌آوری را به واقعیت تبدیل کرده، نه امید یا خوش‌شانسی. در ایران اما آموزش پیشگیرانه هنوز به یک فرهنگ تبدیل نشده است. معمولاً بعد از وقوع حادثه، سخن از آموزش و برنامه‌ریزی می‌شود، اما این واکنش زمانی تأثیر دارد که پیش از فاجعه اجرا شده باشد. رسانه‌ها باید این نقش را جدی بگیرند، نه فقط به بازتاب صحنه‌های بعد از حادثه اکتفا کنند. رسانه‌ای کارآمد است که قبل از وقوع بحران فعال باشد؛ برنامه‌های علمی برای کودکان، گفت‌وگوهای تخصصی با مهندسان و جامعه‌شناسان، نمایش رفتار صحیح در شرایط اضطراری، نقد ضعف‌های ساختاری و ارائه راهکارهای واقعی و قابل

پنجم دی، سالگرد زلزله بم، روزی است که هر سال به یاد یکی از مخرب‌ترین و تلخ‌ترین حوادث طبیعی تاریخ معاصر ایران گرامی داشته می‌شود. این روز نه فقط یادآور خرابی‌ها و تلفات انسانی، بلکه فرصتی برای بازاندیشی در مدیریت بحران، آموزش عمومی، فناوری هشدار و فرهنگ ایمنی است. یادآوری این فاجعه باید فراتر از مراسم و مرثیه‌سرایی باشد و به سنجش واقعی کارنامه ملی ما در مواجهه با بلایای طبیعی تبدیل شود. اگر ما بی‌آن سابقه ۲ هزار ساله‌اش امروز نه فقط یک مجموعه تاریخی ویران، بلکه نمادی از کوتاهی ما در یادگیری، برنامه‌ریزی و آمادگی در برابر بلایای طبیعی است. شهر بم در چند ثانیه فرو ریخت، نه به دلیل بی‌رحمی طبیعت، بلکه به خاطر بی‌توجهی انسان. کودکان، خانواده‌ها و شهرنودانی که هنوز پژواک آن رویداد را در جسم و ذهن خود حس می‌کنند، هشدار برای ما هستند. اگر از تجربه‌های تلخ نتوانیم آموختن، آنها ناسازیم، فاجعه تکرار می‌شود.

زلزله بم صرفاً یک رویداد لرزه‌ای نبوده، رویدادی بود که ضعف‌های چندوجهی ساخت و ساز، آموزش ناکافی، مدیریت بحران ضعیف و فرهنگ ایمنی ناپایدار را در معرض دید قرار داد. هنوز که هنوز است، بسیاری از شهرهای کشور با همان وضعیت آسیب‌پذیر گذشته توسعه یافته‌اند، با همان استانداردهای ضعیف، با همان نقص‌های اساسی در سیستم هشدار و با همان کمبودهای آموزشی عمومی و رسانه‌ای. اگر قصد ما از انتشار یک یادداشت در روزنامه ملی، هشدار دادن است، باید همین واقعیت را بی‌رحمانه بپذیریم؛ فاجعه زمانی اتفاق نمی‌افتد که زمین بلرزد، بلکه وقتی است که ساختار مدیریت و فرهنگ ما بلرزد. ایراد اصلی نگاه ما به بلایای طبیعی این است که آنها را رویدادهایی منفصل فرض می‌کنیم؛ گویی وقتی زمین لرزد، همه چیز امن است، در حالی که واقعیت این است که بلای طبیعی محصول زنجیره‌ای از عوامل انسانی است. تصمیم‌های شهری، نوع مصالح، نحوه نظارت، کیفیت آموزش و درجه آمادگی جامعه، زلزله فقط محرک است، اما تلفات و پیامدها نتیجه ضعف‌هایی است که سال‌ها انباشته شده‌اند. در این زمینه، سینما و آثار تصویری می‌توانند نقش بی‌بدیلی ایفا کنند، نه فقط معنای سرگرمی، بلکه به‌عنوان آشکارکننده آسیب‌ها، تحلیلگر بحران و معلم رفتار در لحظه رویداد.

سیمنای بحران در جهان توانسته است آموزه‌های علمی، انسانی و مدیریتی را هم‌زمان با یک روایت قوی به مخاطب منتقل کند. فیلم‌هایی مانند «زمین لرزه» (ساخته دهه ۱۹۷۰) با اینکه از نظر تکنیکی ساده‌ان، اولین تلاش‌های جدی برای نشان دادن پیامدهای شهری و اجتماعی زلزله بودند. نمونه‌های بعدی مانند فیلم «سان آندریاس» محصول ۲۰۱۵ تلاش کرده‌اند مخاطب عام را با چالش‌های واکنش، نجات و آسیب‌های گسترده در بزنگاه بحران روبه‌رو کنند. «غیرممکن» محصول ۲۰۱۲ تجربه واقعی بازماندگان سونامی سال ۲۰۰۴ در تایلند را بازآفرینی می‌کند و درس‌هایی درباره آمادگی، همدلی و مدیریت اضطراری ارائه می‌دهد.

جستار

ناصر سهرابی

روزی که ممکن است همه چیز به هم بریزد، هیچ نقشه‌ای نداریم، نه چون سخت است، بلکه چون دوست نداریم به آن فکر کنیم. انگار فکر کردن به بحران، آن را احضار می‌کند، در حالی که نادیده گرفتن خطر، فقط ما را بی‌دفاع‌تر می‌کند. یک بخش مهم ماجرا به فرهنگ زندگی ما برمی‌گردد. ما عادت کرده‌ایم ایمنی را کاری تخصصی مربوط به آتش‌نشانی، شهرداری و دولت بدانیم، در حالی که بخش بزرگی از ایمنی دقیقاً در دل خانه اتفاق می‌افتد. در چینمان، در عادت‌ها، در گفت‌وگوهای ساده خانواده‌گی و... اینکه همه بدانند اگر اتفاقی افتاد، چه کسی مسئول چه کسی است، از کجا باید خارج شد و بعدش کجا همدیگر را پیدا کرد. اینها نه هزینه دارد، نه ابزار خاص فقط نیاز به جدی گرفتن دارد. نکته مهم دیگر، نقش تمرین است. تمرین نه برای اینکه قهرمان شویم، بلکه برای اینکه گیج نشویم؛ کسی که تمرین کرده است، الزاماً نتایج‌تر نیست فقط سردرگم نمی‌شود. می‌داند ترسش طبیعی است، اما اجازه نمی‌دهد ترس تصمیم بگیرد این تفاوت کوچکی نیست. همین تفاوت است که گاهی بین آسیب دیدن و سالم ماندن فاصله می‌اندازد.

جالب است در این میان، کودکان گاهی از بزرگ‌ترها آماده‌ترند. نه به این دلیل که فهم بیشتری دارند، بلکه چون در مدرسه تمرین کرده‌اند. رنگ خطر را شنیده‌اند، مسیر خروج را رفته‌اند، نقش‌شان را می‌دانند. در مقابل، خیلی از بزرگ‌ترها سال‌هاست فقط شنونده بوده‌اند. نتیجه‌اش این می‌شود که در بحران، بچه منظر دستنور و بزرگ‌تر دنبال تصمیم است. این یادداشت قرار نیست کسی را متهم کند یا بگوید همه چیز تقصیر مردم است. نه، مدیریت، ساخت‌وساز و سیاستگذاری نقش حیاتی دارند، اما اگر از سهم خودمان فرار کنیم، هر قدر هم بقیه درست عمل کنند، باز هم آسیب می‌بینیم. بحران جایی است که زنجیره اهمیت پیدا می‌کند و اگر یک حلقه‌اش ضعیف باشد، کل سیستم آسیب می‌بیند. شاید تمرین مهم کاری که می‌توانیم کنیم این است که ایمنی را از یک موضوع صرف مناسبتی خارج نماییم. اینکه فقط سالگرد یادمان بماند، فقط بعد از فاجعه نگران شویم و بعد دوباره فراموش کنیم. ایمنی باید بخشی از سبک زندگی باشد، نه واکنش هیجانی، مثل بستن کمربند ایمنی، کاری که اول سخت بود، بعد عادی شد.

آخرش به همان سؤال اول برمی‌گردیم، اما این بار جدی‌تر از قبل. اگر همین الان زلزله بیاید، اول چه کار می‌کنی؟ اگر جواب روشنی نداری، نگران نشو، بیشتر مردم ندارند. مهم این است که این سؤال را رها نکنی. چون بحران که برسد، دیگر فرصت فکر کردن نیست. آن موقع فقط اجرا می‌کنی یا آنچه را تمرین کرده‌ای یا آنچه را همیشه به تعویق انداخته‌ای!

نیره ساری

«بی مقدمه بریم سر اصل ماجرا، اگر همین الان، در دست وسط خونین این یادداشت، دقیقاً همین «بعدا» است، سبیل و آتش‌سوزی هیچ وقت چی؟ نه اون جوابی که قشنگه، نه اون چیزی که دوست داری از خودت تصور کنی؛ همون کاری که واقعاً انجام میدی. دستت میوه سمت چپ؟ پات میدوه کجا؟ صدمات دنبال کی میگردد؟»

این سؤال ترسناک نیست، واقعی است. ترسناک آن جایی است که جویبش را نمی‌دانیم، ولی مطمئنیم «بعدا» به آن فکر می‌کنیم. مشکل دقیقاً همین «بعدا» است، چون زلزله، سبیل و آتش‌سوزی هیچ وقت برای بعداً قرار نمی‌گذارند. ما معمولاً وقتی از بحران حرف می‌زنیم، فوری سراغ چیزهای بزرگ مثل ساختمان، گسل، مدیریت و امداد می‌رویم. همه اینها مهم‌اند، اما یک بخش ماجرا را دوست داریم نادیده بگیریم. آن رفتار خودمان در چند ثانیه اول است. همان چند ثانیه‌ای که نه مسئول، نه امداد و نه دستورالعمل وجود دارد و فقط ما و عادت‌هایمان هستیم. بحران، آدم‌ها را عاقل‌تر یا شجاع‌تر نمی‌کند.

فقط نقاب را برمی‌دارد. آنچه در آن لحظه انجام می‌دهیم، نتیجه سال‌ها زندگی معمولی ماست. کسی که همیشه آماده بوده، آماده می‌ماند؛ کسی که همیشه گفته «بعدا» در بحران هم دنبال بعداً می‌گردد. واقعیت این است که بیشتر ما هیچ وقت به‌طور جدی تمرین نکرده‌ایم که در لحظه خطر چه کار کنیم. شنیده‌ایم، خوانده‌ایم، دیده‌ایم، اما تمرین نکرده‌ایم. تفاوت اینجا خیلی زیاد است. شنیدن یعنی دانستن و تمرین یعنی بلد بودن و مهم اینجاست که بحران با دانستن کاری ندارد، با بلد بودن کار دارد.

بسیاری از خانواده‌ها اگر صادقانه از خودشان بپرسند، متوجه می‌شوند که هیچ برنامه روشنی ندارند. نه این که بی تفاوت باشند، بلکه فکر کرده‌اند این چیزها به‌یاد می‌ماند. فکر کرده‌اند وقتی لحظه‌اش برسد، خودبه‌خود تصمیم درست‌تر را می‌گیرند، در حالی که مغز انسان در شرایط استرس شدید، دقیقاً برعکس منطقی روزمره عمل می‌کند. انتخاب‌ها محدود می‌شود، زمان کش می‌آید و اشتباهات ساده‌اما پرهزینه اتفاق می‌افتد.

برای همین است که در بسیاری از حوادث، آدم‌ها کارهایی می‌کنند که بعداً خودشان هم باورش‌ناپذیر نمی‌شود. به جای خروج، دنبال وسیله‌هایشان می‌گردند. به جای پناه گرفتن، وسط فضا می‌ایستند. به جای آرام کردن دیگران، خودشان منبع اضطراب می‌شوند. اینها نشانه بی‌عقلی نیست، نشانه آماده‌نبودن است. ما در زندگی روزمره‌مان برای چیزهای کم‌اهمیت‌تر از جانمان برنامه‌ریزی می‌کنیم. برای سفر، برای میهمانی، برای خرید، اما برای





دکتر معصومه کمال‌الدینی، جامعه‌شناس، پژوهشگر بحران و عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران:

جهان زیست خانوادگی پایه مدیریت روانی و اجتماعی بحران است



دکتر معصومه کمال‌الدینی، جامعه‌شناس، پژوهشگر بحران و عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران می‌گوید: «سبک زندگی خانواده‌ها بخشی از فرهنگ بحران است و نقش تعیین‌کننده‌ای در تاب‌آوری افراد دارد. نحوه زیست، انتخاب محل زندگی، کیفیت ساختمان‌ها و رعایت اصول ایمنی، همه بر میزان آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی مانند زلزله و سیلاب تأثیر می‌گذارد. تصمیم‌های فردی و اجتماعی خانواده‌ها نیز می‌تواند خسارت‌ها را کاهش یا افزایش دهد.» متن زیر ما حاصل گفت‌وگو با این پژوهشگر است که می‌خوانید.

آیا می‌توان گفت بخشی از خسارات ناشی از بحران‌ها و بلایای طبیعی، نتیجه سبک زندگی و عادات‌های نادرست خانواده‌هاست و نه صرفاً شدت حادثه؟ سهم «سبک زندگی روزمره» در میزان خسارت‌ها چقدر نادیده گرفته شده‌است؟

سبک زندگی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر میزان آسیب‌پذیری افراد و جامعه و همچنین بر حجم خسارات و مصدومیت‌ها پس از بحران‌ها، چه طبیعی، اثر بگذارد. سبک زندگی مجموعه‌ای از سلیقه‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و عادات‌های فردی است که در زندگی اجتماعی و فرهنگی خود را نشان می‌دهد؛ از روابط خانوادگی و اجتماعی گرفته تا الگوی تغذیه، سلیقه‌های هنری، پوشش و مواجهه با مسائل روزمره. سبک زندگی سالم و آگاهانه، زندگی روزمره را بهتر می‌کند، سلامت جسمی، روانی و اجتماعی فرد را ارتقا می‌دهد و در شرایط بحران باعث کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری می‌شود. این سبک زندگی تحت‌تأثیر عواملی از جمله اوقات فراغت، روابط خانوادگی و اجتماعی، معنویت و باورهای دینی و نوع تغذیه است. این میان این مؤلفه‌ها، روابط خانوادگی و اجتماعی نقش پررنگ‌تری دارند، چراکه تنها سلامت فردی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، بلکه الگوی رفتار و سبک زندگی اجتماعی را نیز شکل می‌دهند. در مدیریت اجتماع‌محور بحران‌ها، سبک زندگی و مجموعه‌ای از «فرهنگ بحران» است؛ مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌هایی که فرد را برای مقابله و پاسخ مناسب در زمان بحران آماده می‌کند. در سبک زندگی خانواده‌ها، باورها، عادات‌ها و آگاهی عمومی می‌تواند افراد را در برابر بحران‌ها آسیب‌پذیر یا تاب‌آور کند. به عنوان مثال، تجربه همه‌گیری کرونا نشان داد، خانواده‌هایی که عادات‌های نادرست در سلامت، تغذیه و روابط اجتماعی داشتند، آسیب‌پذیرتر بودند. در مقابل، خانواده‌هایی که از کودکی فراز و نشیب‌های زندگی را آموزش داده و سبک زندگی سالم را نهادینه کرده بودند، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان دادند و شرایط بحران را بهتر مدیریت کردند.

و در برابر مخاطرات طبیعی مانند زلزله، سیلاب و...؟

در حوزه مخاطرات طبیعی نیز می‌توان به روشنی از ارتباط سبک زندگی با میزان خسارات و آسیب‌ها سخن گفت. به ویژه در زلزله‌های مخرب و سیلاب‌ها، در اینجا، شیوه زیست انسان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اینکه افراد در چه نوع ساختمان‌هایی زندگی می‌کنند، این ساختمان‌ها تا چه حد استاندارد هستند و چگونه تجهیزات و آمادگی‌های لازم برای کاهش خسارت در زمان زلزله یا سیل مهیج شده‌اند، همگی بخشی از سبک زندگی محسوب می‌شود. همچنین این موضوع اهمیت دارد که افراد در چه مناطقی و با چه سلیقه‌ای زندگی می‌کنند. اقدام به خرید یا ساخت مسکن می‌کنند. انتخاب

محل زندگی، توجه به اصول ایمنی و رعایت ضوابط ساخت‌وساز، از جمله گزینش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی است که مستقیماً بر میزان آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات طبیعی اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، عادات‌های فردی و خانوادگی نیز نقش مهمی دارند. اینکه افراد تا چه اندازه با کمک‌های اولیه آشنا هستند، آیا کیفیات نجات در اختیار دارند، اصول‌درباره این مفاهیم آموزش دیده‌اند یا خیر و آیا آموزش و تاب‌آوری در عادات‌های روزمره زندگی آنها جایگامی دارد یا نه. مهم‌تر از آن، اینکه این آگاهی‌ها و مهارت‌ها تا چه حد به فرزندان منتقل می‌شود. در زمان بحران، میزان همکاری افراد با تیم‌های امدادی، سطح مشارکت اجتماعی، میزان فردگرایی یا جمع‌گرایی و تمایل به کمک به دیگران نیز یکی از سبک زندگی و الگوی رفتاری جامعه را نشان می‌دهد. افزون بر این، میزان اعتماد افراد به اطلاعات، هشدارها و آگاهی‌رسانی‌های رسمی در هنگام بحران، خود عاملی مهم در مدیریت شرایط و کاهش خسارت است. مجموع این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد، سبک زندگی و عادات‌های روزمره انسان‌ها می‌تواند نقش قابل توجهی در افزایش یا کاهش آسیب‌پذیری و میزان خسارت‌های ناشی از مخاطرات طبیعی پس از وقوع آنها داشته باشد.

چسرا آموزش‌های مرتبط با بحران، با وجود گستردگی، اغلب به رفتار پایدار و تغییر واقعی در سبک زندگی منجر نمی‌شوند؟

این یکی از پرسش‌های مهم در حوزه آموزش بحران است و واقعیت این است که خود آموزش، برای اثرگذاری، نیازمند مجموعه‌ای از شرایط است. به ویژه آموزش‌هایی که در حوزه بحران انجام می‌شود، این آموزش‌ها باید مستمر و مکرر باشند. در ادبیات آموزش بحران همواره تأکید می‌شود که آموزش باید از سنین کودکی، حتی از خردسالی و در مهد کودک‌ها آغاز شود تا به تدریج وارد طرح‌واره‌های ذهنی افراد و در نهایت به بخشی از سبک زندگی آنها تبدیل شود. اگر آموزش مقطعی باشد، صرفاً در واکنش به یک بحران ارائه شود، یا تنها به اجرای مشاوره‌های محدود و مناسبتی در مدارس خلاصه شود، اثربخش نخواهد بود و به رفتار پایدار منجر نمی‌شود. آموزش و یادگیری زمانی موفق و درست تلقی می‌شود که نتیجه آن تغییر رفتار باشد، یعنی فرای مهارتی را بیاموزد و بتواند آن را در موقعیت واقعی به کار ببرد. چه آموزش‌های نظری و چه آموزش‌های میدانی که از سوی

برخی سازمان‌ها اجرا می‌شود و چه آموزش‌هایی که از طریق رسانه‌ها، ام‌ا‌ز شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌های رسمی گسترش، منتقل می‌شود. این آموزش‌ها اگر بر اساس اصول آموزشی طراحی نشوند، اثرگذاری لازم را نخواهند داشت. انتخاب پیام‌ها، محتوای درس، تفکیک گروه‌های سنی، ارزیابی مجدد آموزش‌ها و بازگشت به میدان برای سنجش میزان تغییر رفتار افرادی که آموزش دیده‌اند از الزامات آموزش مؤثر است. اگر این مراحل طی نشود و صرفاً به انتقال دانش نظری بسنده شود، آموزش به مهارت‌آموزی و در نهایت به رفتار پایدار تبدیل نخواهد شد. بنابراین رفتار پایدار زمانی شکل می‌گیرد که آموزش به بخشی از عادات‌های روزمره فرد تبدیل شود. اینکه فرد بدانند در مواجهه با انواع بحران‌ها چه رفتاری باید از خود نشان دهد، چه زمانی پیشگیری انجام دهد، چه زمانی پاسخ مناسب بدهد و این پاسخ‌ها را در حین بحران، پس از بحران و در دوره بهبودی بشناسد و به‌درستی انتخاب کند، پاسخ‌هایی که هم سلامت جسمی و هم سلامت روانی او را حفظ کنند. در



شایعات در شرایط بحران می‌توانند بسیار مخرب باشند. شایعه‌پذیری بالا، افراد را منفرط می‌کند. اضطراب را افزایش و تاب‌آوری فردی و جمعی را کاهش می‌دهد. به همین دلیل، خانواده‌ها با ایجاد عادات‌های درست ارتباطی و روانی می‌توانند نقش مهمی در مهار شایعات و کاهش آسیب‌ها داشته باشند. از آن در زمان بحران اینها را چگونه مدیریت می‌کنند؟

نهایت، آموزش زمانی به بلوغ می‌رسد که فرد آنقدر در این مهارت‌ها توانمند شود که بتواند اموخته‌های خود را به دیگران نیز منتقل کند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی که این اتفاق کمتر رخ می‌دهد این باشد که آموزش‌های بحران هنوز به سبک زندگی و عادات‌های رایج افراد تبدیل نشده‌است.

در زمان بحران یکی از پیامدهای اجتماعی افزایش شایعات است. خانواده‌ها چگونه می‌توانند در زمان بحران، از تأثیر مخرب این شایعات بکاهند و تاب‌آوری روانی و اجتماعی فرزندان‌شان را تقویت کنند؟

ابتدا باید گفت بخشی از این مسئله به ضعف‌ها و چالش‌های اطلاع‌رسانی در رسانه‌های رسمی بازمی‌گردد و بخشی دیگر به گسترش شبکه‌های اجتماعی و تغییر الگوی دریافت اطلاعات در نسل‌های جدید مربوط می‌شود. امروز بسیاری از افراد، به ویژه نوجوانان و جوانان، اخبار و تحلیل‌ها را از فضای مجازی دریافت می‌کنند و این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز تأثیرپذیری بیشتر از شایعات شود. در این میان، نقش خانواده بسیار تعیین‌کننده است. خانواده‌ها می‌توانند فرزندان خود را به نوعی آماده کنند که صرفاً مصرف‌کننده منفعل اطلاعات نباشند، یکی از مهم‌ترین عادات‌هایی که باید در خانواده شکل بگیرد، گفت‌وگو محور و دیالوگ مستمر است. فرزندان باید بتوانند درباره اطلاعاتی که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند، با پدر و مادر یا دیگر افراد معتمد گفت‌وگو کنند و پرسش‌های خود را بدون ترس مطرح کنند. افزایش سواد رسانه‌ای در درون خانواده نیز اهمیت بالایی دارد. والدین باید به فرزندان بیاموزند که هر خبری، چه در شرایط عادی و چه در زمان بحران، لزوماً درست نیست و یاد بگیرند بخشی از اطلاعات می‌تواند نادرست یا تحریف‌شده باشد، چرایی این نادرستی را بشناسند و یادبند تا چه اندازه می‌توان به منابع مختلف رسانه‌ای اعتماد کرد، بدون آنکه هر آنچه می‌شنوند یا می‌بینند را بی‌چون‌وچرا بپذیرند. تقویت اعتماد اجتماعی و روابط سالم درون خانواده نیز نقش مهمی در کاهش اثر شایعات دارد.

در نهایت باید توجه داشت، شایعات در شرایط بحران می‌توانند بسیار مخرب باشند. شایعه‌پذیری بالا، افراد را منفرط می‌کند، اضطراب را افزایش می‌دهد و تاب‌آوری فردی و جمعی را کاهش می‌دهد. به همین دلیل،

خانواده‌ها با ایجاد عادات‌های درست ارتباطی و رسانه‌ای می‌توانند، نقش مهمی در مهار شایعات و کاهش آسیب‌های ناشی از آن در زمان بحران ایفا کنند.

چرا حساسیت نسبت به بحران‌ها پس از فروکش کردن آنها در جامعه کاهش می‌یابد؟ متأسفانه در بسیاری از سطوح اجتماعی، از اجتماعات محلی گرفته تا نهادهای رسمی مانند سازمان‌ها، ارگان‌ها و حتی ساختارهای مدیریت بحران، با یک الگوی مشترک غیرکارآمد مواجه هستیم. در شرایط بحران، به ویژه در کشور ما، حساسیت‌ها به سرعت افزایش می‌یابد، چراکه مدیریت بحران هم‌چنان بیشتر بحران محور و مبتنی بر الگوهای سنتی است. ترس، میزان خسارت‌ها و برجسته شدن بحران در رسانه‌ها، باعث می‌شود واکنش‌ها شدید و فوری باشد. اما پس از فروکش کردن بحران، این حساسیت به تدریج از بین می‌رود و چرخه مدیریت بحران که باید از مرحله آمادگی و پیشگیری آغاز شود، به فراموشی سپرده می‌شود. در نتیجه، آموزش‌ها و حساسیت‌زایی در جامعه کم‌رنگ می‌شود. این وضعیت یک پیامد منفی عمومی است که ریشه در ضعف حافظه فرهنگی و جمعی بشر دارد. حافظه‌ای که در مواجهه با بحران‌ها به سرعت کم‌رنگ می‌شود، انسان‌ها را خیلی زود فجاج گذشته، رنج‌ها، خسارت‌ها و حتی از دست‌دادن عزیزان را فراموش می‌کنند. برای مواجهه با این چالش، لازم است «حافظه فرهنگی بحران» تقویت شود. نه با ترساندن مردم یا نگاه‌داشتن آنها در وضعیت دائمی استرس، بلکه با آموزش مستمر دوره آمادگی و پیشگیری. مستندسازی بخشی از فجایع گذشته، ثبت تجربه‌ها و درس‌آموخته‌ها و بازنگاری آنها در رسانه‌ها می‌تواند نقش مهمی در زنده‌نگه‌داشتن این حافظه داشته باشد.

تاب‌آوری چه نقش و تأثیری در شرایط بحران دارد و چگونه می‌توان آن را در جامعه تقویت کرد و به فرزندان آموزش داد؟

تاب‌آوری در بحران‌ها نقش کلیدی دارد و باعث کاهش آسیب‌پذیری و افزایش توان‌سازی افراد می‌شود. مهم‌ترین انواع آن، تاب‌آوری روانی و اجتماعی هستند که هم در سطح خانواده و هم جامعه معنا پیدا می‌کند. تاب‌آوری روانی تحت‌تأثیر آموزش، سبک زندگی خانواده، کیفیت روابط خانوادگی، حمایت عاطفی و شبکه‌های خویشاوندی قرار دارد. دسترسی به خدمات سلامت روان و اجتماعی، سواد سلامت و وضعیت اقتصادی نیز بر آن اثر می‌گذارد. تاب‌آوری اجتماعی از حضور فعال خانواده در جامعه، ارتباطات سالم، فعالیت‌های داوطلبانه و انجمن‌های خیریه، آموزش مدیریت بحران و گفت‌وگوهای صادقانه درباره مسائل مهم شکل می‌گیرد. اولین رفتارها زمانی است که در سبک زندگی خانواده نهادینه شده و به عادت تبدیل شوند.

مدیریت هیجان و کنترل احساسات نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم برای بالابردن تاب‌آوری است. راه‌های آموزش این مهم به فرزندان چیست؟

اینکه فرزندان بیاموزند، چگونه احساسات خود را بشناسند، بیان کنند و در موقعیت‌های بحرانی آنها را مدیریت کنند، به‌شدت به فضای گفت‌وگو در خانواده وابسته است. خانواده‌هایی که برای گفت‌وگو زمان مشخصی در برنامه روزانه یا هفتگی خود در نظر می‌گیرند، سبک‌تر برای رشد روانی و اجتماعی فرزندان فراهم می‌کنند. نحوه هزینه‌کرد خانواده‌ها نیز پیام آموزشی مهمی دارد؛ اینکه چه میزان برای محصولات فرهنگی و آموزشی هزینه می‌شود، در کنار هزینه‌های فردی، تفریح و فراغت چگونه مدیریت می‌شود و چه تعادلی میان این حوزه‌ها برقرار است.

حادثه خبر

حسین گل‌محمدی

پنجم دی ماه، یادآور یکی از بزرگ‌ترین تراز‌های طبیعت سال ۱۳۸۲ اتفاق افتاد، جان هزاران نفر را گرفت و خرابی تلخ، پنجم دی ماه به عنوان روز ایمنی در برابر زلزله و کاهنده بازنگری در آمادگی‌های اجتماعی و فردی در برابر چنین توجیه کرده‌اند که می‌گوید «حادثه خبر نمی‌کند»، اما من، زاویه‌ای دیگر به آن نگاه می‌کنم. حادثه در واقع خبر می‌گیردیم.

زندگی روزمره ما پر از نشانه‌هایی است که اگر دقیق‌تر به آن آگاه شویم و برای کاهش خطرات یا جلوگیری از وقوع این نشانه‌ها، سبک زندگی ناایمن است. رفتارهایی بی‌اهمیت بیایند، اما در واقع می‌توانند زمینه‌ساز حوادث بسیاری از حوادث طبیعی، نظیر زلزله، سیل یا طوفان، و ایمنی و آمادگی فردی بستگی دارند.

ساختمان‌هایی که با استانداردهای مهندسی مقاوم زمین‌لرزه‌ها آسیب‌پذیر باشند. همچنین بسیاری از مردم از خود نشان می‌دهند که باعث افزایش خطرات می‌شوند. نبود پیش‌بینی‌های ضروری برای شرایط اضطراری. این جلوگیری از تبعات حادثه باید آمادگی بیشتری پیدا کند. به اهمیت پیشگیری از حوادث و آماده‌سازی در برابر بلایای طبیعی می‌توانیم از آسیب‌های جانی و مالی کاسته و به کاهش آموزش و افزایش آگاهی است. آموزش‌های صحیح در مدارس و مراکز آموزشی، تفریح و فراغت، سبک زندگی ناایمنی مناسب، از وقوع و گسترش یک نقطه عطف باشد، زمانی برای یادآوری اهمیت ایمنی ممکن است در هر زمان رخ دهند.



بعد از بحران، اغلب خانواده‌ها و مردم تلاش می‌کنند کنار هم باشند اما نبود برنامه همدلی هم‌گامی به تنش تبدیل شود

مدیریت برای کل منطقه بهتر انجام می‌شود. اما روی دیگر سکه هم وجود دارد. گاهی همین ارتباطات، خانوادگی و قبیله‌ای می‌شود و منابع فقط به نفع یک خانواده یا یک گروه خاص استفاده می‌شود. اما در کل تفاوت این دو گروه خانواده بسیار محسوس است. خانواده‌هایی که قبل از بحران با مجموعه‌های مردمی ارتباط داشته‌اند، هم سریع‌تر واکنش نشان می‌دهند و هم نقش فعال‌تری می‌گیرند. همچنین بهتر می‌دانند، چه کاری باید انجام دهند و چگونه بحران کنار بیایند. ولی تأکید می‌کنم، اگر این ارتباط درست مدیریت نشود، می‌تواند به انحصارطلبی هم منجر شود.

بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری چیست؟

وقتی از بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری سؤال می‌شود پاسخ این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به تاب‌آوری اجتماعی است و باعث می‌شود مردم فعال‌تری در این خصوص نباشند. این بزرگ‌ترین مانع مردمی‌سازی تاب‌آوری است. همچنین این مدیر مردمی، صریح و انتقادی است. وی می‌گوید: «رود افراد ذی‌نفع با انگیزه‌های مالی و منفعت‌طلبانه اما با ادعای کار مردمی، اعتماد عمومی را تخریب می‌کنند و این

گروه سبک زندگی

پرونده

آمدگی در برابر
حوادث طبیعی

مدیر مسئول: محمد جواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صدیقیان
دبیر ویژه نامه: حسین گل محمدی
همکاران تحریریه: نیره ساری، نیره محمودی
محبوبه قربانی
چاپ: همشهری

نگاه

حسام الدین نراقی، کنشگر توسعه و فعال غیر دولتی در حوزه مدیریت شرایط اضطراری و بحران:

عمده خسارات زلزله بم محصول بی توجهی به نشانه‌ها بود



حسام الدین نراقی، کنشگر توسعه و فعال در حوزه مدیریت شرایط اضطراری و بحران معتقد است، در چرخه مدیریت بحران، حوادث به سه مرحله پیش از حادثه، حین حادثه و پس از حادثه تقسیم می‌شوند که بخش پیش از حادثه مهم‌ترین فرصت است؛ زمانی که با برنامه‌ریزی درست و آمادگی خانواده، می‌توان از وقوع خسارت‌ها جلوگیری کرد یا آنها را به حداقل رساند. متن گفت‌وگو با این پیش رو دارد.

زلزله بم در دی‌ماه ۱۳۸۲ یکی از تلخ‌ترین حوادث تاریخ معاصر ایران و در عین حال، نقطه عطفی در نگاه به مدیریت بحران بود. ابتدا بفرمایید این زلزله چه در س مهمی درباره پیشگیری و اطلاع‌رسانی به جامعه داشت؟

زلزله بم به هیچ وجه ناگهانی و بدون نشانه رخ نداد. شهر بم از شهریور همان سال باره دچار پیش‌ززه شده بود. نشانه‌هایی که اگر جدی گرفته می‌شد، می‌توانست زنگ خطر را برای مسئولان و مردم به صدا درآورد. اما نبود آگاهی عمومی، ضعف اطلاع‌رسانی و بی‌توجهی به این هشدارها باعث شد جامعه برای مواجهه با حادثه آماده نباشد و در نهایت، فاجعه‌ای انسانی با هزاران کشته و مجروح رقم بخورد. یکی از مهم‌ترین درس‌های زلزله بم، اهمیت توجه به پیش‌نشانگرها و اطلاع‌رسانی شفاف و مسئولانه به مردم است. اگر خانواده‌ها بتوانند که پیش‌لرزه چیست، چه معنایی دارد و در مواجهه با آن چه تصمیمی باید بگیرند، بسیاری از جان‌ها حفظ می‌شود. تجربه زلزله سیلاخور در فروردین ۱۳۸۵ نشان داد اطلاع‌رسانی درست چگونه می‌تواند تلفات انسانی را کاهش دهد. در آن حادثه، با وجود خسارت‌های ساختمانی، به دلیل هشدارهای مبوق و توصیه مردم برای نماندن در خانه، تلفات انسانی بسیار کمتر از حد انتظار بود. این تجربه به روشنی ثابت کرد آگاه‌سازی و حساس‌سازی عمومی، یکی از مؤثرترین ابزارهای پیشگیری از خسارت‌های انسانی در حوادث طبیعی است.

این حادثه چگونه نگاه‌ها را به نقش مردم در مدیریت بحران تغییر داد؟

پس از زلزله بم در سال ۲۰۰۳ و سونامی اندونزی در سال ۲۰۰۴، نگاه‌ها به مدیریت بحران نه فقط در ایران بلکه در جهان دچار تحول جدی شد. پیش از آن، مدیریت بحران عمدتاً دولتی و متمرکز بود و مردم بیشتر به عنوان در تلفات و خسارت، نه صرفاً به دلیل شدت این دو حادثه بزرگ نشان داد بدون مشارکت مردم و جوامع محلی، هیچ نظام مدیریتی موفق نخواهد بود. در همین مقطع، رویکرد «مدیریت جامعه‌محور» با مدیریت مبتنی بر اجتماعات محلی مردم-مردم بود که در حوادث و شبکه‌های محلی رایج‌رنگار

اصلی مدیریت بحران می‌داند- تقویت شد. زمین‌لرزه زرن

در سال ۱۳۸۲ اهمیت مشارکت مردم و نقش جوامع محلی را بیش از پیش برجسته کرد. تجربه‌ها نشان داد اگر برنامه‌ها فقط بر پاسخ به حادثه تمرکز داشته باشند، هم برهنه‌اند و هم ناکارآمد، به همین دلیل تمرکز سیاست‌ها از «واکنش به بحران» به سمت «مدیریت خطر سوانح» تغییر کرد، یعنی پیشگیری، کاهش مخاطره و آمادگی، با محوریت مردم و خانواده‌ها.

زلزله بم چه درس‌ها و دستاوردهایی برای کشور داشت؟

زلزله بم درس موخته‌های فراوانی برای کشور به همراه داشت و یکی از نتایج مهم آن، تدوین سیاست‌های کلی نظام در زمینه کاهش خسارات حوادث و سوانح بود. این سیاست‌ها در سال ۱۳۸۴ از سوی مقام معظم رهبری تصویب و ابلاغ شد و در قالب ۹ بند، وظایف دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های مختلف را به روشنی مشخص کرد. نکته قابل توجه در این سیاست‌ها، تأکید ویژه بر مشارکت مردم، آمادگی جامعه و استفاده از ظرفیت‌های مردمی و محلی است. این رویکرد نشان می‌دهد ایمنی و کاهش خسارت فقط وظیفه دولت نیست و بدون حضور فعال مردم و خانواده‌ها، هیچ برنامه‌ای به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. خانواده، به عنوان کوچک‌ترین و در عین حال مهم‌ترین واحد اجتماعی، نقش کلیدی در تحقق این سیاست‌ها دارد.

زلزله بم چگونه به رشد دانش و شکل‌گیری ساختارهای مدیریت بحران در ایران کمک کرد؟



پس از زلزله بم، نگاه تخصصی به مدیریت شرایط اضطراری و مدیریت بحران در ایران رشد چشمگیری پیدا کرد. ایران کنسوری است که بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد مساحت و مناطق سکونتگاهی آن در معرض خطر زمین‌لرزه قرار دارد و در طول تاریخ نیز بارها شاهد زلزله‌های بزرگ، سیل‌های گسترده و دیگر سوانح بوده‌ایم؛ حوادثی که خسارت‌های سنگینی به انسان‌ها، سکونتگاه‌ها، زیرساخت‌ها، اقتصاد و محیط زیست وارد کرده‌اند. زلزله بم در پنجم دی‌ماه ۱۳۸۲ باعث شد مسئولان به اهمیت پیشگیری و برنامه‌ریزی برای کاهش خسارت‌ها توجه جدی‌تری داشته باشند. در حوزه‌های گوناگون زیرساخت‌ها و گرایش‌های مرتبط با مدیریت بحران کارهایی تا حد کنونی توسعه یافت و متخصصان بسیاری در این حوزه تربیت شدند.

از نگاه شما، بهترین زمان برای کاهش خسارت‌های حوادث چه زمانی است؟

در چرخه مدیریت بحران یا همان «چرخه مدیریت سوانح»، حوادث به سه مرحله پیش از حادثه، حین حادثه و پس از حادثه تقسیم می‌شوند. در میان این سه مرحله، بخش «پیش از حادثه» مهم‌ترین و طلایی‌ترین فرصت برای اقدام است. در این مرحله به توانی را برنامه‌ریزی، آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد آمادگی، از بروز خسارت جلوگیری کرد یا دست‌کم آنها را کاهش داد. در این مرحله، پیشگیری و آمادگی قبلی و آگاهی از پدیده‌های انسانی، مالی و زیرساختی زیرساخت‌ها، خانواده‌ها، اقوام می‌سازد در لحظات بحرانی تصمیمات درست‌تری بگیرند. اضطرار و آمادگی مدیریت و عملکردی مؤثرتر و مسئولانه‌تر داشته باشند.

مجتبی طحان، مدرس دانشگاه و معاون آموزش و پژوهش جمعیت هلال احمر استان خوزستان:

خانواده نخستین و مهم‌ترین حلقه زنجیره ایمنی در برابر بحران‌هاست

نیره ساری

طبیعی، فرصتی است برای یادآوری این حقیقت که آمادگی، بخشی از سبک زندگی مسئولانه است و خانواده، نخستین و مهم‌ترین حلقه زنجیره ایمنی در برابر بحران‌ها محسوب می‌شود. متن گفت‌وگو با او به شرح زیر است.

خطرات اصلی بلایای طبیعی برای ساکنان مناطق پرخطر چیست و چگونه می‌توان آنها را کاهش داد؟

ساکنان مناطق پرخطر در ایران با مجموعه‌ای از تهدیدهای جدی روبه‌رو هستند که مهم‌ترین آنها شامل فروریزش ساختمان‌های غیراستاندارد در زلزله، وقوع سیلاب‌های ناگهانی، رانش زمین، آتش‌سوزی‌های گسترده و اختلال در دسترسی به خدمات و منابع حیاتی مانند آب، برق و درمان است. تجربه زلزله بم به روشنی نشان داد پیش از وقوع این تلفات و خسارت، نه صرفاً به دلیل شدت حادثه، بلکه به علت آسیب‌پذیری سازه‌ها، نبود آمادگی خانوادگی و ضعف آگاهی عمومی رخ داده است. کاهش این خطرات نیازمند رویکردی چندلایه است؛ از یک‌سو رعایت اصول ایمنی در ساخت‌وساز، مقاوم‌سازی منازل و توجه به خطر پذیری محل سکونت ضروری است و از سوی دیگر، اصلاح رفتارهای فردی و خانوادگی، آمادگی پیشینی، شناخت نقاط امن و داشتن برنامه قبلی برای مواجهه با بحران نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تلفات انسانی دارد. در این میان، آموزش مستمر و هدفمند خانواده‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد؛ آموزش‌هایی که با محوریت مهارت‌های عملی و مبتنی بر نیاز محلی ارائه می‌شود، از جمله آموزش‌های همگانی و عمومی جمعیت هلال احمر، می‌تواند سطح آمادگی جامعه و افزایش دهد و از بروز رفتارهای پرخطر در لحظات بحرانی جلوگیری کند.

چگونه باید برای هر کدام از انواع بلایای طبیعی آماده شد؟

آمادگی در برابر بلایای طبیعی باید متناسب با ویژگی‌های هر حادثه طراحی شود. در مناطق زلزله‌خیز، تمرکز بر ایمنی سازه، شناخت نقاط امن یا کم‌خطر داخل منزل و آموزش واکنش سریع اهمیت بیشتری دارد. در حالی که در مناطقی که معرض سیل، آگاهی از مسیرهای تخلیه، حفاظت از اسناد و دارایی‌های مهم و توجه به هشدارهای هواشناسی در اولویت قرار می‌گیرد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد آمادگی مؤثر، نیازمند شناخت دقیق خطرات محلی و پرهنز از نگاه کلی و یکسان به همه بحران‌هاست. در نهایت باید تأکید کرد که آمادگی از زندگی روزمره آغاز می‌شود؛ از تصمیم‌های ساده‌ای مانند انتخاب ایمن محل سکونت یا رعایت اصول ساخت‌وساز گرفته تا اقداماتی نظیر آماده‌سازی کیف کیف اضطراری، گفت‌وگو با اعضای خانواده‌ها درباره نقش هر فرد در بحران و

زمین، فرونشست، اپیدمی‌ها و بحران‌های سلامت مانند کرونا، وجه مشترک همه این بحران‌ها، تأثیر مستقیم آنها بر زندگی روزمره خانواده‌هاست.

خانواده‌ها چگونه می‌توانند با انتخاب خود ریسک زلزله را کاهش دهند؟

در یک خانواده، نخستین گام برای پیشگیری و آمادگی در برابر زمین‌لرزه، توجه به محل زندگی است. بیش از ۸۰ درصد مساحت کشور در محدوده گسل‌ها قرار دارد و این واقعیت انکارناپذیر است، هر چند شرایط اقتصادی انتخاب را دشوار کرده اما حتی بررسی اولیه نقشه‌های خطر زمین‌لرزه و شناخت مناطق پرریسک و کمرسبک می‌تواند به کاهش خطر کمک کند. موضوع دوم، کیفیت سازه و ساختمان است. تجربه زلزله‌های ایران نشان داده است کیفیت ساخت، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان خسارت دارد.

نقش آموزش، هماهنگی و برنامه‌ریزی خانوادگی در تاب‌آوری چیست؟

زمین‌لرزه معمولاً ناگهانی رخ می‌دهد و در چند ثانیه می‌تواند جان و زندگی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. اگر اعضای خانواده آموزش دیده و با یکدیگر هماهنگ باشند، می‌توانند از هر جرم جلودگویی بگریزند. تهیه کیف کمک‌های اولیه، کوله نجات، آب، پتو مواد ذخیره‌ای و تمرین سناریوهای مختلف در جلسات خانوادگی، نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری دارد. خانواده‌ها می‌توانند با پیش‌توافق کنند اگر زلزله در زمان مدرسه یا محل کار رخ داد، هر عضو چه مسیری را طی کند، محل قرار کجا باشد و چه زمانی برای پیدا کردن یکدیگر اقدام کنند. این توافق‌ها اضطرار را کاهش می‌دهد و تصمیم‌گیری را در شرایط بحرانی آسان می‌کند. امروزه زیرساخت‌های ارتباطی و شبکه تلفن همراه به مقایسه به دوران وقوع زلزله بم در پایداری بیشتری برخوردار است. این موضوع به خانواده‌ها امکان می‌دهد در ساعات اولیه پس از حادثه، از طریق تماس تلفنی یا اینترنت، وضعیت اعضای خود را پیگیری کنند و با اطمینان بیشتری تا رسیدن کمک‌های اضطراری از سوی سازمان‌های امدادی منتظر بمانند. در کنار این ظرفیت‌های فنی، موضوعی که اهمیت ویژه‌ای دارد، تاب‌آوری روانی است. پس از وقوع زلزله، افراد ممکن است با فقدان عزیزان، آسیب‌های جسمی یا از بین رفتن اموال و دارایی‌های خود مواجه شوند. فرافروشی ناشی از این شرایط می‌تواند بسیار سنگین باشد. اما این تاب‌آوری را می‌توان پیش از حادثه در سطح فردی و خانوادگی تقویت کرد. آموزش‌های بنیونی نیز همراه با دانش و تجربه، به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با سوگ و فقدان، واقع‌بینانه‌تر با شرایط کنار بیایند و توان سازگاری خود را افزایش دهند. از سوی دیگر، آموزش تاب‌آوری، آمادگی قبلی و آگاهی از پدیده‌های انسانی، مالی و زیرساختی زیرساخت‌ها، خانواده‌ها، اقوام می‌سازد در لحظات بحرانی تصمیمات درست‌تری بگیرند. اضطرار و آمادگی مدیریت و عملکردی مؤثرتر و مسئولانه‌تر داشته باشند.

نخستین و می‌توانند به یکدیگر تکیه کنند. ایجاد فضای امن برای بیان احساسات، پرهنز از سرزنش و تقویت حسن‌معمولی، نقش مهمی در مدیریت فشارهای روانی ناشی از بحران دارد. به‌عنوان مثال، یک خانواده می‌تواند به‌صورت دوره‌ای سناریوهای یک بحران احتمالی را باهم مرور کند و درباره واکنش‌های درست گفت‌وگو داشته باشد یا تمرین‌های ساده‌ای مانند تنفس عمیق و آرام‌سازی کوتاه‌مدت در شرایط استرس‌زا، مهارت کنترل هیجان را در خود و فرزندان تقویت کند.

چگونه می‌توان کودکان را در بحران‌ها آرام نگه داشت؟

کودکان بیش از هر چیز از رفتار بزرگ‌ترها الگو می‌گیرند. حفظ آرامش والدین، توضیح ساده و صادقانه، دور نگه داشتن کودک از صحنه‌های تنش‌زا و ایجاد احساس امنیت، مهم‌ترین اقدامات است. همچنین بسیار است کودکان از قبل، به‌صورت غیرترسناک، با مفاهیم ایمنی آشنا شوند تا در زمان بحران دچار شوک شدید نشوند. علاوه بر این، استفاده از بازی‌های آموزشی، داستان‌گویی درباره مواجهه با خطر و تمرین‌های عملی کوچک می‌تواند مهارت واکنش صحیح را به کودکان بیاموزد و اضطراب آنها را کاهش دهد. ایجاد یک محیط حمایت‌کننده و پر از ارتباط مصمیمانه نیز به کودکان کمک می‌کند احساس امنیت بیشتری داشته باشند و در لحظات بحرانی کمتر دچار ترس و سردرگمی شوند.

ایمنی سالمندان در بحران‌ها چگونه تأمین می‌شود؟

سالمندان به‌دلیل محدودیت‌های جسمی و گاه شناختی، نیازمند توجه ویژه هستند. شناسایی نیازهای خاص آنها، آماده‌سازی دارو، تعیین فرد مسئول مراقبت و تمرین تخلیه امن، از جمله تدابیر ضروری است. احترام به کرامت سالمندان و حفظ آرامش آنها، بخشی از مدیریت انسانی بحران است. علاوه بر این، فراهم کردن اطلاعات ساده و قابل فهم، تجهیزات کمکی مانند عصا یا واکر اضطراری می‌شوند و تصمیم‌های منطقی‌تری می‌گیرند. همچنین در جمعیت هلال احمر دوره‌ای وجود دارد به نام «آمادگی در برابر مخاطرات» که دقیقاً ایجاد یک برنامه خانوادگی را آموزش می‌دهد و تمرین می‌کند.

آیا تمرین‌هایی برای افزایش تاب‌آوری روانی وجود دارد؟

بله، تاب‌آوری روانی مهارتی اکتسابی است. تاب‌آوری روانی به معنای توانایی فرد و خانواده در مقابله، سازگاری و بازگشت به تعادل پس از تجربه بحران است و برخلاف تصور رایج، یک ویژگی ذاتی و ثابت نیست، بلکه مهارتی است که می‌توان آن را آموزش داد و تقویت کرد. تمرین‌های افزایش تاب‌آوری بر ایجاد احساس کنترل، تقویت ارتباطات خانوادگی و مدیریت هیجانات در شرایط دشوار تمرکز دارند. گفت‌وگو صمیمانه درباره ترس‌ها و نگرانی‌ها، آموزش مهارت حل مسئله، حفظ امید واقع‌بینانه و تمرین آرام‌سازی ذهن از جمله اقداماتی است که به کاهش اضطراب و افزایش آمادگی روانی کمک می‌کند. در سطح خانواده، تاب‌آوری زمانی تقویت می‌شود که اعضا احساس کنند تنها



تمرین واکنش‌های درست که همگی می‌توانند در لحظه حادثه نفاذی حیاتی ایجاد کنند.

چگونه می‌توان خانواده‌ها را نسبت به خطرات بلایای طبیعی آگاه کرد؟

آگاهی بخشی به خانواده‌ها زمانی اثربخش است که از سطح اطلاع‌رسانی مقطعی و مناسبتی فراتر برود و به بخشی از فرهنگ عمومی و سبک زندگی روزمره تبدیل شود. تجربه بحران‌های بزرگ در کشور نشان داده است که صرف دانستن خطرات کافی نیست، بلکه خانواده‌ها باید بدانند در شرایط واقعی چه رفتاری درست و چه واکنشی خطرناک است. در این مسیر، گفت‌وگوهای درون خانوادگی، انتقال تجربه‌های گذشته مانند زلزله بم، با سرپرست و آموزش‌های ساده، کاربردی و متناسب با سن و شرایط اعضای خانواده نقش کلیدی دارند. اینکه خانواده‌ها آگاهی‌راز کجا باید دنبال کنند، باید گفت مسیرهای متنوع و معتبری وجود دارد؛ از رسانه‌های رسمی و محلی، آموزش‌های مدرسه‌ای، برنامه‌ها و محله‌محور، مساجد و پایگاه‌های اجتماعی گرفته تا دوره‌ها و محتوای آموزشی نهادهای تخصصی مانند جمعیت هلال احمر. به‌ترتیب به منابع معتبر و بهره‌گیری از آموزش‌های عملی و بومی، به خانواده‌ها کمک می‌کند آمادگی خود را به اطلاع‌رسان صحیح و قابل اعتماد ارتقا دهند.

برای ایجاد تغییر عملی در سبک زندگی باید چه گام‌هایی برداشت؟

تغییر سبک زندگی به معنای ایجاد عادت‌های کوچک اما مستمر است. این گام‌ها می‌تواند شامل ایمن‌سازی منزل، تهیه کیف اضطراری، آموزش مهارت‌های اولیه اسناد و کمک‌های اولیه، صرفه‌جویی در منابع حیاتی و برنامه‌ریزی قبلی برای شرایط خاص باشد. مهم‌تر از همه، خانواده باید از نگاه «آماده‌سازی در کیف اضطراری، گفت‌وگو با اعضای خانواده‌ها درباره نقش هر فرد در بحران و



تمرین حادثه پیش از فاجعه

مربی
بامیری

زلزله بم یکی از غم‌انگیزترین رخدادهای طبیعی بود که داعی سنگین بر دل‌مان گذاشت و هنوز آثار آن ویرانی‌ها در خشت‌های شهر و دل‌های مردم نجات یافته‌اش، مشهود است. چند بار هم تهران زلزله‌های خفیف آمد و بعد از آن گمانه‌زنی‌ها برای ایمن‌سازی و ستاد بحران جدی شد. مدتی زلزله ویرانگر تهران سرزبان‌ها بود و بعد هم روبه‌فراموشی رفت، مثل هر اتفاقی که در تندباد زمان از یادها رفت. بعد از آن حوادث زیادی پشت سر گذاشتیم. سیلی که آق‌قلا آمد، مثل فیلم‌های آخرالزمانی بود، ترسناک و هشداردهنده. زلزله سرپل ذهاب آمد. مدتی گریستیم و همدلانه به پا خاستیم و بعد هم تمام.

حادثه‌ها وقتی عبرت‌آموزند که درس بگیریم و جلوی تکرارشان را بگیریم. انسان با همه توانایی‌هایش هنوز قادر نیست جلوی اراده خداوند بر بلا یا را بگیرد. اما می‌تواند پیشگیری کند، می‌تواند یاد بگیرد چطور بحران را پشت سر بگذارد. جدی شد مدتی زلزله ویرانگر تهران سرزبان‌ها بود و بعد هم روبه‌فراموشی رفت، مثل هر اتفاقی که در تندباد زمان از یادها رفت. بعد از آن حوادث زیادی پشت سر گذاشتیم. سیلی که آق‌قلا آمد، مثل فیلم‌های آخرالزمانی بود، ترسناک و هشداردهنده. زلزله سرپل ذهاب آمد. مدتی گریستیم و همدلانه به پا خاستیم و بعد هم تمام.

حادثه‌ها وقتی عبرت‌آموزند که درس بگیریم و جلوی تکرارشان را بگیریم. انسان با همه توانایی‌هایش هنوز قادر نیست جلوی اراده خداوند بر بلا یا را بگیرد. اما می‌تواند پیشگیری کند، می‌تواند یاد بگیرد چطور بحران را پشت سر بگذارد. جدی شد مدتی زلزله ویرانگر تهران سرزبان‌ها بود و بعد هم روبه‌فراموشی رفت، مثل هر اتفاقی که در تندباد زمان از یادها رفت. بعد از آن حوادث زیادی پشت سر گذاشتیم. سیلی که آق‌قلا آمد، مثل فیلم‌های آخرالزمانی بود، ترسناک و هشداردهنده. زلزله سرپل ذهاب آمد. مدتی گریستیم و همدلانه به پا خاستیم و بعد هم تمام.

حادثه‌ها وقتی عبرت‌آموزند که درس بگیریم و جلوی تکرارشان را بگیریم. انسان با همه توانایی‌هایش هنوز قادر نیست جلوی اراده خداوند بر بلا یا را بگیرد. اما می‌تواند پیشگیری کند، می‌تواند یاد بگیرد چطور بحران را پشت سر بگذارد. جدی شد مدتی زلزله ویرانگر تهران سرزبان‌ها بود و بعد هم روبه‌فراموشی رفت، مثل هر اتفاقی که در تندباد زمان از یادها رفت. بعد از آن حوادث زیادی پشت سر گذاشتیم. سیلی که آق‌قلا آمد، مثل فیلم‌های آخرالزمانی بود، ترسناک و هشداردهنده. زلزله سرپل ذهاب آمد. مدتی گریستیم و همدلانه به پا خاستیم و بعد هم تمام.

حادثه‌ها وقتی عبرت‌آموزند که درس بگیریم و جلوی تکرارشان را بگیریم. انسان با همه توانایی‌هایش هنوز قادر نیست جلوی اراده خداوند بر بلا یا را بگیرد. اما می‌تواند پیشگیری کند، می‌تواند یاد بگیرد چطور بحران را پشت سر بگذارد. جدی شد مدتی زلزله ویرانگر تهران سرزبان‌ها بود و بعد هم روبه‌فراموشی رفت، مثل هر اتفاقی که در تندباد زمان از یادها رفت. بعد از آن حوادث زیادی پشت سر گذاشتیم. سیلی که آق‌قلا آمد، مثل فیلم‌های آخرالزمانی بود، ترسناک و هشداردهنده. زلزله سرپل ذهاب آمد. مدتی گریستیم و همدلانه به پا خاستیم و بعد هم تمام.

گفت‌وگوی «جوان» با همسر پاسدار شهید اقتدار، سید امیر حسین موسوی

آقاسید نیمه‌های چله زیارت عاشورا به آرزوی آخرش رسید

صغری خیل فرهنگ

شوهر خواهرم رو به امیر حسین کرد و گفت: «سید، خیلی خسته‌ای، کمی استراحت کن.» لیختندی زد و پاسخ داد: «استراحت بماند بعد از شهادت‌ها» و با خنده‌اش جمع را لبریز از شادی کرد. هنگام خدا حافظی به او گفتم: «خدا به همه ما صبر زینبی بده.» لیختند آرامی زد و گفت: «زیبا جان، قوی باش... محکم بایست.» تمام کارها و پیگیری‌های مربوط به شهادت حمید موسوی، بر عهده پسر عمویش امیر حسین بود. چند روزی برای تفحص و شناسایی پیکر حمید، بی‌وقفه تلاش می‌کرد. اما در همان روزی که جواب آزمایش «دی‌ان‌ای» و تأیید هویت حمید موسوی به خانواده‌اش رسید، خبر شهادت امیر حسین نیز آمد؛ گویی دو روح وابسته، قرار نبود از یکدیگر جدا بمانند. به مناسبت سالروز ولادت شهید سید امیر حسین موسوی، با همسرش، خانم زینب احمدی، هم‌صحبت شدیم. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگوی صمیمی است.

چرا به امام زمان متوسل نمی‌شوی؟!

زندگی ۹ ماهه من و آقاسید امیر حسین از همان آغاز به امام‌زمان (عج) گره خورده بود. آشنایی ما کاملاً سنتی شکل گرفت. خواهر آقاسید در یک مراسم، من و مادرم را دیده بود و بعد از مدتی با مادرم تماس گرفت تا برای آشنایی صحبت کند. او توضیح مختصری درباره برادرش و خانواده‌اش داد و اجازه خواست جلسه‌ای برای دیدار و آشنایی بیشتر بگذاریم. پیش از آن خواستگارهای زیادی آمده بودند اما هیچ‌کدام با معیارهای من هم‌هنگ نبودند. مادرم یک روز گفت: «زیبا جان، چرا به امام‌زمان متوسل نمی‌شوی؟ از خود آقا خواه تا کسی را برای تفرستد که شایسته‌ات باشد.» همان شب با دل شکسته به آقا امام‌زمان (عج) گفتم: «آقا جان، همسری می‌خواهم که شما او را قبول داشته باشید و سرباز با به رکاب شما باشد. چهار شرط دارم: پاسدار باشد، سید باشد تا من هم عروس حضرت زهر(اس) شوم، با ایمان باشد و ولایتمدار.» چند وقت بعد، در دست سایه همین ویژگی‌ها، آقا سید امیر حسین به خواستگاری آمد. کسی که هم خودش و هم پدر و مادرش سادات بودند نشانه‌های دیگری هم داشتند. در جلسه آشنایی، هر دو بدون اینکه بدانیم، از امام‌زمان (عج) دعوت کردیم تا صاحب مجلس مان باشند و خودم زیر لب گفتم: «یاصاحب‌الزمان، امروز شما صاحب این مجلس باشید، هر چه خیر است همان شود.»

همسری و همسنگری...

صدای آرام و پر از متانتش در اولین دیدار به دلم نشست. امیر حسین گفت: «من سید امیر حسین موسوی هستم، متولد ۱۳۷۵. آخرین فرزند خانواده‌ام، بر جنب و جو شوم و کمی شوخ‌طبع. بعد با افتخار از کارش گفتم: پنج سال است که در سپاه قدس، خدمت می‌کنم. خانواده‌اش را «منتهی، با ایمان و ولایی» توصیف کرد و از آرزویش برای شهادت گفت. او در ادامه گفت: «همسر باید در همه کارها همراه باشد. نه جلوتر و نه عقب‌تر — بلکه همراه. به قول شهید صدر زاده، همسنگرم باشد. ممکن است مأموریت پیش بیاید، دو ماه، شش ماه یا کمتر. ممکن است نباشم. این برای شما مشکلی ندارد؟» با اطمینان گفتم: «هرگز مانع از سربازی‌ات برای امام زمان (عج) نمی‌شوم؛ افتخار من است که همسر سرباز وطن و صاحب‌الزمان باشم.» بعد هم درباره ایمان، ولایتمداری و حجاب صحبت کردیم. هر دو بار داشتیم ایمان باید پایدار باشد، نه ظاهری؛ او از علاقه‌اش به رهبر انقلاب و پایبندی به سخنان حضرت آقا گفت. بیشتر از حرف می‌زد و من فقط گوش می‌دادم. در لحظه‌ای با لیختند گفتم: «ببخشید زیاد صحبت می‌کنم، فکر می‌کنم شما خجالت می‌کشید!» حضورش آرامش خاصی داشت؛ آنقدر که همانجا حس کردم پاسخ دلم را گرفته‌ام، حتی اگر هنوز زمان تصمیم فراتر سیده بود. بعدها آقاسید برایم تعریف کرد: «وقتی اولین بار وارد خانه‌تان شدم، تو، مادرت و فضای خانه‌تان آنقدر آرامش و انرژی مثبت گرفتم که برایم عجیب بود. راه برگشت رفتم امام‌زاده محل‌تان و از آقا خواستم جوابت مثبت باشد تا با هم یک زندگی خدایی را شروع کنیم.» آنقدر ذوق زده بود که فرادای همان روز آشنایی، ساعت ۱۰ صبح خواهرش تماس گرفت تا جوابم را بگیرد اما مادرم با خنده گفتم: «صبر کنید، پدر زیباختم هنوز از مأموریت برگشته.» وقتی پدرم باز گشت، ابتدا کمی مردد بود، چون ما دو فرزند بودیم و آقا امیر حسین در خانواده‌ای پرجمعیت و با شش فرزند بزرگ شده بود. اما بعد از صحبت‌ها و شناخت بیشتر، دل‌شان آرام گرفت.

به نام خدای زیبایی‌ها

جلسه دوم، خانواده آقاسید به همراه ایشان به خانه ما آمدند تا بیشتر آشنا شویم. در این دیدار، مادر آقاسید گفتند: «برای هفته بعد مراسم خواستگاری اصلی را بگذاریم و بعد جشن نامزدی.» اما مادرم پیشنهاد داد: «بگذارید اول چند جلسه چها با هم بیرون بروند و بیشتر آشنا شوند.» همه پذیرفتند و خواهر آقاسید گفت: «اگر اجازه می‌دهید شماره زیباختم را به امیر حسین بدهم تا بیشتر صحبت کنند.» فضای آن جلسه پر از آرامش و صمیمیت بود، انگار سال‌هاست خانواده‌ها همدیگر را می‌شناختند. فردای آن روز، ساعت ۱۱:۳۳ دقیقه، پیام نخست آقا سید رسید: «به نام خدای زیبایی‌ها، سلام و عرض ادب



خدمت شمایا، ختم بنده سید امیر حسین هستم. خدمت هستیدا ان‌الله؟ در وهله اول خواستم بابت میزبانی گرم و صمیمانه دیشب شما و خانواده محترم‌تان تشکر کنم.» و اینگونه آشنایی ما آغاز شد. در اولین دیدار، با هم به زیارت حضرت شاه‌عبدالعظیم رفتیم. دیدار دوم، سینه‌ما رفتیم و چون ایام شهادت حضرت معصومه (س) بود، فیلم قلب رقه را دیدیم. جلسه سوم به دستوران رفتیم و جلسه چهارم رفتیم پیش مشاور. در همان یک جلسه مشاور، حاج آقا (مشاورمان) با لیختند گفت: «در امیر حسین، سیرت (نمونه) دیده می‌شود.»

مهری برای مردم غزه

من و آقاسید عشق عمیق و خاصی داشتیم، عشقی که هنوز هم ادامه دارد. همیشه مرا با محبت صدا می‌زد و می‌گفت «منته‌الهی» آنقدر این نام را تکرار می‌کرد همه من را با همین اسم می‌شناختند. من هم او را «معجزه‌الهی» صدا می‌زدم، چون واقعاً ایمان داشتم که او معجزه‌ای از نسوی خدا در زندگی‌ام است و هر دو باور داشتیم که تقدیرمان را خدا کنار هم رقم زده است. مهریه‌ام به نیت امام (رضاع) شد ۸ میلیون تومان که آن را هم تقدیم کردیم به مردمان مظلوم و جنگ زده غزه. آقاسید بسیار از شهادت صحبت می‌کرد؛ انگار خودش حس کرده بود، به زودی به آرزویش می‌رسد. می‌گفت ادامه زندگی خدایی‌مان را در حکومت امام زمان (عج) نوشته بود: «(شهادت، آرزوی آخر»



مزار شهید سید امیر حسین موسوی

خواهیم گذراند. بعد از عقد، تصمیم گرفتیم به مناسبت ولادت امام حسن مجتبی (ع) چله زیارت عاشورا را بخوانیم. من پیشنهاد دادم از ششم خرداد شروع کنیم تا چهلم آن مصادف با روز تاسوعا و عاشورا باشد، چون قرار بود به کربلا برویم. آقاسید قبول کرد. روز آغاز چله، کنار هم نبودیم و هر کدام جدانیت کردیم. گاهی او، گاهی من یادآوری می‌کردیم تا فراموش نکنیم. بیشتر شب‌ها با هم می‌خواندیم. آقاسید با صوت زیبایی زیارت عاشورا را تلاوت می‌کرد و من با شنیدن صدای حزن‌انگیزش بی‌اختیار اشک می‌ریختم. چله زیارت عاشورای‌مان ادامه داشت تا روز بیست‌وششم. همان روزی که آقاسید دیگر زیارت را نخواند و من چله را به تنهایی تمام کردم، چون وصله جانم، در بیست‌وششمین روز چله زیارت عاشورا، به آرزوی آخرش یعنی شهادت رسید. در یکی از دفترهای یادداشتش نوشته بود: «شهادت، آرزوی آخر»

ایران مارکت

آقا سید امیر حسین در مسجد امیرالمؤمنین (ع) رشد کرده بود و از شاگردان شهید مصطفی صدر زاده به شمار می‌رفت. او شوخ‌طبع، خوش‌رو، مهربان و دلسوز بود. اهل گفت‌وگو و بسیار بااخلاق. خانواده‌دوستی در وجودش موج می‌زد و احترام زیادی برای پدر و مادرش قائل بود، تا جایی که احترام من به والدینم هم برایش اهمیت داشت. مسئولیت‌پذیر، بخشنده و با فکر بود. هر کاری را با سنجیدگی انجام می‌داد و ناپایی و آگاهی‌اش در تصمیم‌ها کاملاً مشهود بود. بسیار بر جنب و جوش بود و از بیکاری خوشش نمی‌آمد.

مدتی که در خانه بود، تصمیم گرفت برای پر کردن وقتش سوپرمارکت بزند تا اوقاتش را صرف کار مفید کند. مدتی دنبال اسم مناسب بود تا اینکه یک روز با ذوق تماس گرفت و گفت: «یک اسم محشر پیدا کردم؛ یادت هست سخنرانی حضرت آقا که گفتند: باید از کشورمان حمایت کنیم؟ تصمیم گرفتیم اسم مغازه را بگذاریم «ایران مارکت» تا پیرو سخن ایشان باشیم.

هنوز هم مراقب من است

در روزهای آغاز جنگ، آقا سید امیر حسین همیشه اخبار را دنبال می‌کرد. وقتی موشک‌های ایران به سمت اسرائیل پرتاب می‌شد و به هدف می‌خورد، با خوشحالی فریاد می‌زد «الله‌اکبر!». شب قبل از عید غدیر با خانواده‌اش به پشت‌بام رفتیم؛ صدای بلند تکبیرش در فضا پیچید و هیچ ترسی در چهره‌اش نبود. روز عید غدیر، در خانه دایی‌اش میهمان بودیم. هنگام بازگشت، مادام گوش‌اش را چک می‌کرد. به شوخی گفتم: «امیر جان، گوش‌ی راندار کنار، با خیر دنبال کردن‌ک که کاری ازت برنماید!» لیختند زد و گفت: «عشقم، اگر بزم سحر کار، می‌تونم خدمت کنم. وقتی خونام، احساس سردرگمی دارم.» بعد از نماز مغرب، رو به من کرد و پرسید: «آقا کسی درباره من از نت‌هایش می‌شناسی؟» «آه! با مشق شروع کردم به گفتن ویژگی‌هایش: مهربان، مسئولیت‌پذیر، عاشق، پناه و تکیه‌گاه. وقتی ساکت شدم، لیختند زد و گفت: «منظورم به چیز یگی که گفتی...» هر چه پرسیدم، نگفت منظورش چیست!

امیر حسین برای رسیدن به شغلتش خیلی تلاش کرد. انسانی خوش‌رو، خوش صحبت و مهربان بود و همیشه به همه احترام می‌گذاشت. به‌ویژه به پدر و مادرش که احترام به آنها یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های زندگی‌اش بود. به من بسیار احترام می‌گذاشت، همیشه به علائق و خواسته‌هایم اهمیت می‌داد و با تمام وجود مرا می‌پسندید؛ هنوز هم حس می‌کنم مراقبم است. امیر حسین با روی خوش با جوانان و صحبت می‌کرد و آنها را به نماز، روزه، خوش رفتاری و اخلاق نیک دعوت می‌کرد. همه دوستش داشتند و به حرفش گوش می‌دادند. از غیبت، دروغ و تهمت دوری می‌کرد و اگر جای کسی غیبت می‌کرد، بی‌درنگ آن مکان را ترک می‌کرد.

استراحت بماند بعد از شهادت

در آن روزها پدر و دامادمان در مأموریت بودند و فقط من، مادرم و خواهرم در خانه مانده بودیم. مادرم سعی می‌کرد آرامش خانه را حفظ کند، ولی نگرانی در دل همه‌مان موج می‌زد. آقاسید در محل خدمت آماده‌باش بود و خودش گفته بود: «عشقم، خودم رنگ می‌زنم، نگران نباش. شب ۲۵ خرداد، تماس گرفت و با صدای آرام گفت: «سلام عشقم، حال خوبه، نگران نباش، مراقب خودت باش، دوست دارم...»

بغض راه گلوم را بست، نتوانستم خداحافظی کنم. بعد از قطع تماس، پیام دادم: «مراقب خودت باش، خدا و امام زمان نجات‌بخشند.» حدود نیم‌ساعت بعد دوباره تماس گرفت. صدایش گرفته بود. گفت: «زیبا، حمید شهید شده...» وقتی فهمیدم پسر عمویش حمید است، از گریه بی‌اختیار افتادم. صبح فردا خبر شهادت حمید را تأیید شد. آقا سید با وجود آماده‌باش، مرخصی گرفت تا به خانه عمویش برود و در کنار خانواده شهید باشد. ما هم برای دل‌داری رفتیم. وقتی بعد از چند روز دوباره او را دیدیم، انگار دنیا را به من داده بودند. فقط می‌گفتم: «حالت خوبه عزیزم؟» گفت: «اره عشقم، تا تو رو دیدم خوب شدم.» آن شب تا دیروقت در خانه شهید ماندیم. پدر و خود آقاسید موقع خداحافظی جلو در بودند. با پدرش احوال‌پرسی کردم و هر دو بی‌اختیار اشک ریختم. موقع خداحافظی با او، شوهر خواهرم به امیر حسین گفت: «سید، خیلی خسته‌ای، استراحت کن.» با لیختند گفت: «استراحت بعد از شهادت!» و با خنده جمع را پر کرد. هنگام خداحافظی،



شهید اقتدار سید امیر حسین موسوی

اگر همسر شهید شوم!

روز شنبه صبح به آقاسید رنگ زدم ولی جواب نداد، نماز هم نداد اما آن هم بی‌پاسخ ماند. دلشوره داشتم ولی سعی می‌کردم خودم را آرام نشان دهم. مادام در ذهنم فکر می‌کردم اگر همسر شهید شوم، باید چه واکنشی نشان بدهم؟! ساعت شش عصر بود که خاله و دایی‌ام به خانه‌مان آمدند. وقتی از حال امیر حسین پرسیدند، گفتم صبح با او صحبت نکردم. دایی گفت نگران نباش، فقط اطراف پادگان‌شان را زده‌اند، نه خود پادگان را! اما در واقع محل کارش را زده بودند.

رنگ زدم به آقا سید، ولی گوش‌ی‌شان خاموش بود. استرس بیشتر شد. همان موقع مادرم از اتاق بیرون آمد و رو به روی خاله و دایی پرسید: «امیر حسین چیزش شده؟» ناگهان گریه‌شان گرفت و من شوکه شدم. فقط به تالوئی چهارلق نگاه می‌کردم که خالام گفت «مجنوح شده»، اما بلافاصله گفتم «نه، شهید شده.» وقتی به خانه مادر شوهرم رسیدیم، دیدم همه فامیل جمع شده‌اند و خیلی‌ها لباس مشکی پوشیده‌اند. همانجا مطمئن شدم. وقتی داخل خانه و فقط فریاد می‌زدم «امیر حسین من شهید شده.» پدر شوهرم سعی می‌کرد آرامم کند، ولی وقتی مادر شوهرم با گریه گفت «عروسیم آمده ولی بپرم نیست...» دنیا روی سرم خراب شد و از حال رفتم.

خواستگاری شهید مصطفی صدر زاده

کشیده صبح بود که رفتیم برای دیدن پیکر پاک و مطهر سید مصطفی وقت که وارد اتاق شدم و پیکرش را دیدم. پاهایم سست شد و افتادم زمین مادرم بلندم کرد و من را برد پیش پیکرش.

چند سال پیش، وقتی شهید مصطفی صدر زاده به شهادت رسید، مادرم خوابی دید. در خواب، شهید مصطفی مرده مردی دیگر با ما مشین به در خانه‌مان آمدند. مادرم پرسید برای چه کاری آمده‌اید و آن آقا گفت: «آقا مصطفی آمده‌اند برای خواستگاری.»

سال‌ها از آن خواب گذشت و مادرم آن را فراموش کرده بود. روزی که به معراج شهید رفتیم تا با پیکر آرام سید امیر حسین وداع کنیم، هنگام بازگشت مادرم گفت: «زیبا جان، خواب چند سال پیشم تعبیر می‌شد.» آقا مصطفی آمده بود خواستگاری تو برای سید امیر حسین... جالب اینجاست که قبل از آن که خانواده سید به خواستگاری‌مان بیایند، خواهرم هم خوابی دیده بود. در خواب، با هم به زیارت حرم امام (رضاع) رفته بودیم. من وارد صریح شدم و سرم را روی پیکری گذاشتم که درون صریح بود و خواهرم زیر لب برایم دعای عاقبت‌بخیری می‌کرد. آن خواب هم ماه‌ها بعد تعبیر شد؛ شبی که در مراسم وداع، سرم را روی پیکر سید شهید امیر حسین گذاشته بودم و خواهرم همان صحنه را دید و خوابش به یادش آمد.



تصویری از وداع همسر شهید، در پیکر شهید امیر حسین موسوی

فتح بزرگی در پیش است

امیر حسین همیشه می‌گفت: «این جنگ راه نابودی اسرائیل است و به پیروزی ما ختم می‌شود، ظهور آقا خیلی نزدیک است.» یادم است در یکی از پیام‌هایش نوشته بود: «این قربانی‌ها فتح بزرگی را در پیش دارد، عشقم سخت است ولی باید محکم ایستاد.» خداوند، به لطف خدا، در راه حق و امام‌زمان مان به فیض شهادت رسید. تنها دلگرمی من این است که امیر حسین به آرزویش رسید و در راه صاحب‌الزمان (عج) شهید شد. من صبر می‌کنم تا روزی که دوباره وصل‌مان فرابرسد، چون امیر حسین من رفت تا نام و یادش برای همیشه در دل‌ها بماند. او هر آنچه را از خدا خواسته بود، به دست آورد و تنها آرزویی که هنوز محقق نشده بود، «شهادت» بود؛ آرزویی که خودش در دفتر یادداشتش نوشته بود: «شهادت، آرزوی آخر من است» و در نهایت به همان هم رسید.

بازی برای شهادت

صبح روز شهادتش نمازش را خواند، آماده شد و با دل‌تنگی خداحافظی کرد. پدرم گفت: «امیر جان، بمون صبحانه بخور.» لیختند زد و گفت: «نه بابا جان، کار دارم، باید زود

گزارش ۲ دنیا حیدری

نیم‌نگاه اوسمار به قهرمانی نیم فصل



کمتر از یک ساعت بعد از آغاز مصاف تراکتور، سوت آغاز دیدار مس فوجستان با پرسپولیس توسط موعود بنیادی، به صدا درمی آید. دیداری حساس برای پرسپولیس اوسمار در فوجستان که نتیجه آن می‌تواند سرخوشان تهرانی را موقتا صدرنشین لیگ کند. پرسپولیس که بعد بازگشت اوسمار جز تسلاوی در دربی و شکست به تراکتور در جام حذفی سایر بازی‌های خود را با پیروزی پشت سر گذاشته، عصر روز جمعه به دنبال یک پایان درخشان در نیم‌فصل نخست است. پایانی که حتی می‌تواند عنوان قهرمانی نیم‌فصل را برای این تیم به دنبال داشته باشد، اگر سیاهان یک روز بعد از عهده شکست جادرمو بر نیاید. این بازی برای پرسپولیس و اوسمار از چند جهت حائز اهمیت است. علاوه بر یک پایان خوب در دور رفت به نظر می‌رسد قرار است تکلیف برخی سرز اوریه در این دیدار مشخص شود. اینکه او نیم‌فصل بعدی را هم با سرخوشان ادامه می‌دهد یا نه، به حضور یا عدم حضورش در فوجستان بستگی دارد. علاوه بر آن اوسمار به دنبال ترمیم نقاط ضعف تیمش است و تا به امروز دست پیش را مقابل مستولان باشگاه گرفته و کافی است با برتری برابر مس، شکست مقابل تراکتور را جبران کند تا کمتر کسی در باشگاه فکر مخالفت با نظرات او جهت جذب یا خواستن عذر باز یکتان فعلی تیم را به خود راه دهد. برتری که دستیابی به آن برابر مس فخرنشین که این فصل تنها یک برد کسب کرده و هشت مرتبه طعم تلخ باخت را چشیده عیبه است کار چندان سختی برای مدعی عنوان قهرمانی نباشد. در آخرین بازی امروز نیز ساعت ۱۶:۳۰، فولاد در شیراز به میهمانی فجرسیاسی می‌رود.

رقابت‌های جام حذفی، لیگ نخبگان و لیگ سطح ۲ قهرمانان آسیا هفته پایانی نیم‌فصل نخست لیگ برتر را چند تکه کرده است، به طوری که مسابقات هفته آخر دور رفت عصر امروز با برگزاری دو دیدار آغاز شده و با پیگیری سایر دیدارها طی سه روز، عصر یکشنبه به نقطه پایان می‌رسد.

استارت بازی‌های این هفته ساعت ۱۵:۳۰ امروز در اراک زده می‌شود، جایی که آلومینیوم از همسایه جدولی خود، ملوان بندرانزلی پذیرایی می‌کند. تیمی که با یک بازی کمتر و سه امتیاز بیشتر، یک پله بالاتر از اراکی‌های میزبان در رده نهم جدول جای گرفته است. سوت پایان این بازی همزمان می‌شود با سوت آغاز دیگر دیدار امروز (۱۷:۳۰) در خوزستان، درست جایی که ذوب آهن اصفهان به میهمانی استقلال جنوب می‌رود. تیمی که این روزها با هدایت امیرخلیفه اصل سعی در فاصله گرفتن از جمع فانوس به دستان لیگ دارد تا کارش بار دیگر در پایان فصل جهت بقا به اما و اگر نکشد.

در ادامه رقابت‌های این هفته، عصر جمعه نیز سه دیدار برگزار می‌شود. در نخستین دیدار شمس آذر ساعت ۱۵:۳۰ در قزوین پذیرای تراکتور است. تیمی که اتفاقاً در یک‌هشتم نهایی رقابت‌های جام حذفی نیز باید در همین ورزشگاه به میهمانی قزوینی‌ها رود. شمس آذری که اگر چه با کسب تنها ۱۲ امتیاز از یک برد، ۹ مساوی و چهار باخت در رده پانزدهم قرار گرفته، اما کسب امتیاز از آن کار ساده‌ای نیست و تاکنون طی همین ۱۴ هفته گذشته ۹ تیم از جمله استقلال، چادرملو، خیبر و ملوان را متوقف کرده و تنها برابر پرسپولیس، فجر، آلومینیوم و سیاهان تن به شکست داده است. هر چند که شاگردان اسکوچیچ اخیراً با برتری مقابل الدحیل صعود خود از مرحله نخست لیگ نخبگان را قطعی کردند و به دنبال بازگشت به جمع مدعیان لیگ هستند، اما کسب نتیجه در قزوین کار ساده‌ای نیست، خصوصاً وقتی شمس آذر برای این بازی به هوادارانش فراخوان داده باشد تا شرایط کسب نتیجه را برای میزبان تیریز شووارتر کند. علاوه بر آن، وحید رضایی، سرمربی نماینده قزوین قبل از مصاف با تراکتور تأکید داشت این تیم با یک‌دوجین بازیکن خارجی و مطرح داخلی کار شاقی نکرده، اگر در رده پنجم جدول جای گرفته و این نشان می‌دهد تراکتور برای کسب نتیجه در قزوین یک نبرد تمام‌عيار در پیش دارد.

یادداشت ۱ فردون حسن

فرق می‌کنه کار دست کی باشه

مهم است چه کسی مسئول باشد. مهم است امور کشور دست چه کسانی باشد. این روزها خیلی بهتر می‌توان این واقعیت را درک کرد.

۱- چندس قبل برنامه فوتبال ۳۶۰ به موضوع بازسازی ورزشگاه‌ها و معطل چمن آنها پرداخت. مهندس مهرداد رتوفی به عنوان یک ایرانی کاربلد در این حوزه که با یک تیم ایرانی بخشی از کار ساخت ورزشگاه جدید نیوکمپ را هم برعهده داشته، توضیحاتی را در این برنامه ارائه می‌کند و وقتی با پرسش شیطنت آمیز مجری در این مورد ساخت ورزشگاه در ایران روبرو می‌شود، پاسخی می‌دهد که فردوسی پور کاملاً اچمز می‌شود. رتوفی می‌گوید: «زمان دولت شهید رئیسی با ما تماس گرفتند و پیشنهاد دادند. ما هم برنامه دادیم اما بعد از آقای رئیسی همه چیز تمام شد!»

۲- امیرمهدی علوی، مدیر روابط عمومی فدراسیون فوتبال چندی قبل در مورد حواشی حضور تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر حرف‌های جالبی زد. از اینکه قرار بود در مجمع فیفا ایران را به خاطر شرایط داخلی از جام جهانی کنار بگذارند و ایتالیا را جایگزین کنند، اما با تلاش‌های شهید امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه وقت و نظر مثبت اینفانتینو این مسئله به‌طور کلی از دستور کار جلسه خارج شد تا ایران با وجود تمام کارشکنی‌های داخلی و خارجی راهی جام جهانی شود.

پس «مهم است چه کسی مسئول باشه». مهم است «کار دست چه کسی باشه». آنچه این روزها می‌بینیم و می‌شنویم شبیه چیزهایی است که اتفاق افتاده، با این تفاوت که فرق می‌کند چه کسی مسئول باشد. این روزها مشکل بازسازی، مرمت و ساخت ورزشگاه، مشکل کاشت و نگهداری چمن به اصلی‌ترین معطل فوتبال تبدیل شده، مشکلی که با توجه به وجود آدم‌های کاربلد ایرانی حلال حل است، اما چون مدیر کاربلد، دلسوز و متعهد سرکار نیست، همه چیز خراب شده است. چون مدیر دلال سرکار است، مافیای چمن درست شده تا آقایان در دستان را بگیرند. بازسازی ورزشگاه طول کشیده، چون آقایان می‌خواستند و می‌خواهند آن را به نام خودشان بزنند. بله، مهم است چه کسی مسئول باشد و امور کشور دست چه کسی باشد.

این روزها همه نگران سبکسختی‌های امریکا در مورد تیم ملی هستیم. اینکه ویزا بدهند یا نه، اینکه بازی ایران و مصر را جایی برای تبلیغ همجنسگرایی بکنند یا نه و هزار و یک حاشیه دیگر کاری کرده که همه نگران شوند. اما نگرانی وقتی بیشتر می‌شود که اینجا همه فقط حرف می‌زنند و مرد مدعی دیده نمی‌شود. این روزها همه منتظر لطف اینفانتینو بابت قولی که در رختکن این ملی داده، هستند تا او برای ایران کاری کند، ولی در داخل هیچ حرکتی دیده نمی‌شود. درست بخلاف آنچه که چهار سال قبل دیده شد. پس مهم است که کار دست چه کسی باشد.

این روزها همه منتظر لطف اینفانتینو بابت قولی که در رختکن این ملی داده، هستند تا او برای ایران کاری کند، ولی در داخل هیچ حرکتی دیده نمی‌شود. درست بخلاف آنچه که چهار سال قبل دیده شد. پس مهم است که کار دست چه کسی باشد.

حاشیه ۱ شمیم رضوان



تاجر نیا در مسیر اشتباه

استقلال از خودی می‌خورد!

دفاعیه باشگاه نواناست CAS را متقاعد کند برای باز شدن پنجره نقل و انتقالات استقلال که از سه شرط لازم جهت رخ دادن این اتفاق، تنها دو شرط تأیید و عدم اثبات مورد سوم باعث عدم صدور باز شدن پنجره نقل و انتقالات این باشگاه شد. البته استقلال همچنان می‌تواند دفاعیه جدیدی ارائه کند، اما با توجه به تعطیلات سسال جدید میلادی، حتی اگر دادگاه حکمیت ورزش قانع شود هم استقلال عملاً چند روز ابتدایی نقل و انتقالات و مسامتی را از دست می‌دهد. با وجود این تاجر نیا ترجیح داد داستان را به گونه‌ای روایت کند که هوادار استقلال به باز شدن پنجره نقل و انتقالات این باشگاه امیدوار شود. البته طولی نکشید واقعیت خبری که از طریق صفحه شخصی سرپرست مدیرعاملی و نه صفحه رسمی باشگاه استقلال منتشر شده بود، رشته‌های تاجر نیا را پنبه کرد، به گونه‌ای که سرپرست مدیرعاملی استقلال ناچار به پذیرفتن واقعیت شد: «درخواست باشگاه برای صدور دستور موقت از سوی CAS پذیرفته نشد، اما این تصمیم به معنای رای نهایی نیست. در رای صادره، دو معیار اصلی از شرایط لازم پذیرفته شد و صرفاً یک معیار احراز نشد. همان ابتدا این واقعیت که درخواست باشگاه برای باز شدن موقت پنجره نقل و انتقالات در پرونده منتظر محمد از سوی CAS، در شده درست عنوان می‌شد، چرا که بار کج به منزل نمی‌رسد و آدرس غلط دادن نه فقط بی‌اعتمادی می‌آورد و شرایط را برای استقلال دشوارتر می‌کند که باعث ناامیدی هوادار این تیم نیز می‌شود.

در مرحله دستور موقت، CAS اساساً وارد داوری نهایی نمی‌شود و دادگاه فقط بررسی می‌کند که آیا اجرای فوری رای فیفا باید متوقف شود یا نه. استقلال در همین راستا باید به لحاظ حقوقی با زوم کردن روی «اثبات ضرر جبران‌ناپذیر» (ضرری که اگر امروز واقع شود، حتی در صورت پیروزی نهایی هم قابل جبران نیست)، ورق را به سود خود برمی‌گرداند، اما در این مقوله ضعیف عمل کرد و حالا با پایان یافتن زمان نقل و انتقالات زمستانی، حتی اگر استقلال در دادگاه ماهوی هم موفق شود برنده نیست و ماجرا می‌شود داستان همان قبای بعد از عید که در بد گل منار می‌خورد.

گزارش ۲ شهبانوورزی

بودجه ۲۶ هزار میلیاردی برای ورزش

حمایت ویژه دولت از کشتی در لایحه ۱۴۰۵

طبق لایحه‌ای که مسعود پزشکیان به مجلس ارائه داده، مبلغ ۱۱ هزار و ۵۲۹ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان برای هزینه‌های جاری وزارت ورزش در نظر گرفته شده است. همچنین این وزارتخانه می‌تواند روی بودجه ۱۴ هزار و ۹۷۵ میلیارد و ۴۰۹ میلیون تومانی در بخش عمرانی حساب کند. مجموع بودجه‌ای که به وزارت ورزش و جوانان اختصاص خواهد یافت، ۲۶ هزار و ۵۰۴ میلیارد و ۹۰۹ میلیون تومان خواهد بود.

ضمن اینکه معادل ۳ هزار و ۵۰۱ میلیارد تومان از محل بودجه عمرانی وزارت ورزش به شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی اختصاص داده شده است.

بودجه کمیته‌ها

در لایحه ارائه شده دولت و در بخش بودجه ورزش، جدولی تحت عنوان برنامه هم‌افزایی و ارتقای فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگی گنجانده شده که براساس آن یک درصد از هزینه‌های شرکت‌های دولتی معادل یک هزار میلیارد برای حمایت از اجرای برنامه‌های المپیک و پارالمپیک و فدراسیون‌های ورزشی در سال ۱۴۰۵ اختصاص خواهد یافت.

اختصاص بودجه دولتی و افزایش حمایت‌های مالی، تأثیر مستقیمی در آینده ورزش کشور دارد. در لایحه بودجه سال آینده، ۲۶ هزار و ۵۰۴ میلیارد به وزارت ورزش اختصاص یافته است. لایحه بودجه ۱۴۰۵ از سوی رئیس‌جمهور تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و کار نمایندگان و کمیسیون‌های مختلف برای چکش‌کاری این لایحه آغاز شده است.

طبق آیین‌نامه داخلی خانه ملت، کمیسیون‌های تخصصی مسئولیت بررسی لایحه را برعهده دارند و پس از ارائه گزارش به کمیسیون تلفیق، روند بررسی کلیات در این کمیسیون کلید می‌خورد. در صورت رد کلیات، لایحه به دولت بازگردانده خواهد شد و در غیر این صورت گزارش هیئت‌رئیس به کمیسیون‌های تخصصی ارسال می‌شود.

نیاز ورزش به افزایش بودجه

ورزش ایران برای ادامه حیات، حضور موفق در میادین بین‌المللی، رسیدگی به امور عمرانی و توجه به ورزش همگانی، نیاز مبرمی به افزایش بودجه در یافتی از سوی دولت دارد.

شهبانوورزی

فوتبال اروپا

شب سخت یونایتد در اولد ترافورد

کلاغ‌ها هم

از منچستر امتیاز می‌خواهند

شایطین سرخ در شرایط بحرانی مجبورند مقابل هوادارانشان در اولد ترافورد با نیوکاسل بازی کنند. دیدار جمعه شب منچستر یونایتد با کلاغ‌ها آغازگر هفته هجدهم لیگ برتر است و نتیجه آن برای آمو ریم و شاگردانش بسیار اهمیت دارد. یونایتد سال‌هاست که جایی در بین مدعیان ندارد و نخستین رومین آمو ریم هم نتوانست وضعیت را تغییر دهد. بعد از باخت به استون ویلا، نوبت نیوکاسل است که شانس خود را برای شکست منچستر و گرفتن هر سه امتیاز بازی امتحان کند.

تیم آمو ریم آنقدر متزلزل است که تیم‌های دسته پایین‌تر نیز با کمی تلاش به راحتی من یونایتد را شکست می‌دهند. قرمزها با توجه به اینکه سهمیه حضور در رقابت‌های اروپایی را کسب نکرده‌اند، در این فصل فقط در گیر مسابقات داخلی هستند. البته خیلی زود به دست تیم ناشناخته گرمسبی از جام اتحادیه حذف شدند، دو هفته دیگر بازی با برایتون را در جام حذفی دارند و لیگ برتر را هم به سختی ادامه می‌دهند. تیم هفتم جدول مقابل بونرموت متوقف شد و بعد از آن هم ۲ بر یک به استون ویلا باخت. شکست در ویلا پارک برای این تیم بسیار گران تمام شد، چرا که منچستر هم فرصت نزدیک شدن به تیم‌های بالای جدول را از دست داد و هم کاپیتان برونو فرناندز مصدوم شد. گفته می‌شود این هافبک تأثیرگذار حداقل یک ماه نمی‌تواند به میدان برود. پر کردن جای خالی فرناندز در این وضعیت بحرانی برای کادرفنی بسیار سخت است و آمو ریم قبل از این هم در برطرف کردن ضعف‌ها ناکام بوده، چه برسد به اینکه جای خالی کاپیتان منچستر را پر کند. نیوکاسل رده بازدهی فقط سه امتیاز کمتر از منچستر دارد. ادی هاو، سرمربی راه‌راه پوشان می‌داند شاگردانش توانایی غلبه بر میزبان را دارند. نیوکاسل بعد از شکست برابر ساندرد، فولام را برده و در بازی قبلی نیز در خانه مقابل چلسی متوقف شده است. نیوکاسل در صورت زمین گیر کردن منچستر در اولد ترافورد، وضعیتش در جدول لیگ جزیره بهتر می‌شود. فصل گذشته هر دو بازی رفت و برگشت لیگ به نفع کلاغ‌ها تمام شد و نیوکاسل شش گل به قرمزها زد!



شهبانوورزی

واکنش آرتا تا به صعود سخت آرسنال

به بازیکنانم ایمان دارم

صعود به نیمه‌نهایی جام اتحادیه، حداقلی بود که تویچی در روز ورزشگاه امارات انجام دادند. آرسنال صدرنشین جزیره برای آنکه همچنان فرصت تصاحب یک جام را قبل از سوت نالازم دست ندهد، به سختی و در ضربات پنالتی کریستال پالاس را شکست داد. میکال آرتا در این بازی ترکیب اصلی را تغییر داده بود و در نهایت هم لاکروایی، بازیکن کریستال پالاس نقش مهمی در صعود تویچی‌ها ایفا کرد. لاکروایی در جریان بازی یک گل به خودی زد و پنالتی آخر تیمش را نیز از دست داد تا میزبان ۷ بر ۸ در ضیافت پنالتی‌ها پیروز شود. چلسی حریف آرسنال در نیمه‌نهایی جام اتحادیه خواهد بود. آرتا، سرمربی اسپانیایی آرسنال، پیروزی در جام اتحادیه را جزئی از هدف گذاری‌های تیمش خواند: «در نیمه‌نهایی هستیم، یعنی دقیقاً همانجایی که هدف گذاری کرده بودیم.

با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در ترکیب داشتیم؛ از انسجام، انرژی و کیفیتی که مقابل حریف ارائه دادیم، واقعاً لذت بردم. موقعیت‌های زیادی خلق کردیم و صادقانه بگویم، مصداق گل‌های ما باید خیلی بیشتر از این بود. در فوتبال وقتی برتری خود را تثبیت نکنید، حریف با کیفیتتی که دارد، می‌تواند روی هر ضربه ایستگاهی به شما ضربه بزند. باید به کیفیت رقیب و تلاش آنها احترام گذاشت. باید بازی را با اختلاف سه یا چهار گل پیش می‌افتادیم تا اصلاً نگران اتفاقات دقیق پایانی نباشیم. باید به خلق موقعیت‌های فعلی ادامه دهیم و در عین حال اجازه خودنمایی به حریف ندهیم. به بازیکنانم ایمان دارم، آنها در ضربات پنالتی شخصیت بزرگ خود را نشان دادند. فرصت‌های تک‌به‌تک و بسیار ایده‌آلی داشتیم که گل نشدند. باید به تمرینات ادامه دهیم، اعتمادمان را حفظ و برای بهتر شدن تلاش کنیم. گاهی به دلیل مصدومیت‌ها گزینه زیادی نداشتیم، اما مهم نیست؛ بازیکنانی مثل کریستین، کپا و بقیه، فارغ از نقشی که در تمرینات دارند، همیشه آماده خدمت به تیم هستند. برای رسیدن به قهرمانی، همه باید چنین ذهنیتی داشته باشند.»



بازداشت مدیرعامل قلابی به اتهام آزار دختر فراری

فرار از خانه به دلیل اختلافات خانوادگی، آغاز ماجرای تلخ برای دختر ۱۷ساله‌ای شد که پس از فریب در فضای مجازی، مورد آزار قرار گرفت، پرونده‌ای که با دستگیری متهم سابقه‌دار در تهران وارد مرحله تازه‌ای شد.

سرهنگ کارا گاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تشریح جزئیات این پرونده گفت: در اواخر آذرماه امسال، دختری ۱۷ ساله با دست داشتن پرونده‌ای از شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک تهران به اداره شانزدهم پلیس آگاهی مراجعه و شکایتی مبنی بر آزار و فریب مطرح کرد.

به گفته وی، این دختر نوجوان اظهار داشته که در اوایل مردادماه سال جاری به‌دلیل اختلافات خانوادگی، منزل پدری خود را در یکی از شهرهای شمالی کشور ترک کرده و راهی تهران شده است. شاکای در مدت کوتاهی، شب‌ها را در پارک‌ها و پایانه‌های مسافربری سبری کرده و در همین ایام از طریق فضای مجازی با فردی آشنا شده که خود را مدیرعامل یک شرکت معرفی کرده بود.

سرهنگ نثاری افزود: این فرد با فریب و جلب اعتماد دختر نوجوان، وی را به منزلی در شهرستان‌های شرقی تهران منتقل می‌کند. متهم در یکی از شب‌ها سا تهدید و اجبار اقدام به آزار دختر جوان کرده و سپس از آن، او را از منزل بیرون می‌کند.

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با اشاره به فرار متهم پس از وقوع جرم گفت: با دستور مقام قضایی و با وجود آنکه در ابتدا پرونده در حوزه قضایی شهرستان مربوطه تشکیل شده بود، به‌منظور تسهیل در روند رسیدگی و حمایت بیشتر از شاکای، پرونده برای رسیدگی مجدد به

اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران از جاع شد. وی ادامه داد: کارا آگاهان پلیس آگاهی در جریان تحقیقات گسترده و با به کارگیری شگردهای اطلاعاتی و پلیسی موفق شدند متهمان را در میدان منیر به تهران شناسایی و طی عملیاتی غافلگیرانه وی را دستگیر کنند. بررسی سوابق متهم نشان داد هویت اصلی او «فرزاد» است که دارای سوابق متعدد سرقت منزل بوده و پیش از این نیز بارها توسط پلیس دستگیر شده است.

متهم در مراحل اولیه بازجویی منکر از تکاب جرم شد، اما پس از مواجهه حضوری با شاکای و ارائه مستندات موجود، به جرم خود اعتراف کرد و با صدور قرار بازداشت موقت روانه زندان شد.

■ ■ ■

هشدار جدی به خانواده‌ها

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با هشدار به خانواده‌ها گفت: در سال‌های اخیر، تغییر سبک زندگی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و در عین حال تهدیدهای جدیدی را به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان ایجاد کرده است. متأسفانه بخشی

از پرونده‌های اجتماعی و جنایی که امروز در پلیس آگاهی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، ریشه در اعتماد ناآگاهانه در فضای مجازی دارد.

وی ادامه داد: در بسیاری از این پرونده‌ها، افراد سودجوا هیوت‌های جعلی، عناوین فریبنده و وعده‌های مالیاتی یا شغلی، اعتماد قربانیان، به‌ویژه نوجوانان آسیب‌پذیر را جلب و زمینه وقوع آسیب‌های جدی روحی، جسمی و اجتماعی را فراهم می‌کنند. نکته‌نگران‌کننده این است که اغلب قربانیان، پیش از وقوع حادثه هیچ شناخت واقعی از طرف مقابل نداشته‌اند و روابط صرفاً بر پایه پیام‌ها و ادعاهای غیرواقعی شکل گرفته است.

بررسی‌های تخصصی پلیس نشان می‌دهد فرار از منزل، قطع ارتباط مؤثر میان والدین و فرزندان و نبود آموزش مهارت‌های زندگی و سواد رسانه‌ای کافی از مهم‌ترین عوامل افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان در برابر چنین تهدیدهایی است. این موضوع نشان می‌دهد پیشگیری، صرفاً وظیفه پلیس نیست و نیازمند همراهی خانواده‌ها، مدارس و نهادهای فرهنگی است.

سرهنگ نثاری در پایان گفت: از خانواده‌ها انتظار می‌رود با گفت‌وگوی مستمر، بدون تنش و مبتنی بر اعتماد، از تباط خود را با فرزندان تقویت کنند و نسبت به نوع روابط آنها در فضای مجازی حساسیت آگاهانه داشته باشند. نوجوانان نیز باید بدانند هیچ‌گونه کمک واقعی، بدون شناخت حضوری، مدارک مشخص و مسیرهای قانونی قابل اعتماد نیست.

پلیس آگاهی با بهره‌گیری از توان تخصصی، خود را متعهد به پیگیری قاطع مجرمان و حمایت از زه‌پدیدگان می‌داند، اما تأکید می‌شود پیشگیری آگاهانه، مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین راه کاهش آسیب‌های اجتماعی است. امید است با افزایش آگاهی عمومی و همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های مسئول، شاهد کاهش چنین حوادث تلخی در جامعه باشیم.

■ **غلامرضا مسکنی**

چهار مرد نقابدار، مسلح، با تهدید سلاح و گروگانگیری همسایه‌ها، میلیونرها تومان طلا و ارز از خانه‌های شمال تهران سرقت کردند، اما رد پایشان نه در صحنه جرم، بلکه روی یک رسید بانکی ساده باقی ماند. سردسته این بانده پس از دستگیری به سرقت‌های سریالی اعتراف کرد.
اوایل فروردین‌ماه امسال، مردی برج‌ساز با تماس با اداره پلیس تهران از سرقت مسلحانه از منزلش خبر داد. وی اعلام کرد چهار سارق مسلح با نقشه‌ای از پیش طراحی‌شده وارد خانه‌اش شدند و پس از سرقت میلیاردری متواری شده‌اند.

■ **ورود پلیس به محل حادثه**

با اعلام این گزارش، تیمی از مأموران پلیس به یک ساختمان مسکونی در یکی از خیابان‌های شمال تهران اعزام شدند. بررسی‌ها نشان داد سارقان لحظاتی پیش، پس از سرقت از یکی از واحدهای ساختمان، صاحب آن خانه را گروگان گرفته و با استفاده از او وارد منزل مرد برج‌ساز شده‌اند. مرد برج‌ساز در توضیح ماجرا گفت: «ساعت ۸/۵ شب همراه خانواده در خانه بودیم که زنگ در به صدا درآمد. از چشمی دیدم همسایه طبقه بالایی پشت در است و تصور نمی‌کردم نقشه‌ای در کار باشد. به محض باز کردن در، چهار مرد نقابدار مسلح به همراه همسایه وارد خانه شدند.» وی افزود: «دو نفر از سارقان با اسلحه ما را تحت‌نظر گرفتند و دو نفر دیگری به سراغ گاوصندوق رفتند و با دیلم آن را تخریب کردند. آنها ۱۲ میلیارد تومان طلا، سکه و دلار را سرقت کردند. حدود ۲۰ دقیقه در خانه بودند و پس از فرارشان فهمیدیم ابتدا به خانه طبقه بالایی دستبرد زده و صاحبخانه را گروگان گرفته بودند. سپس با تهدید او را مجبور کردند زنگ خانه ما را بزند.»

■ **تشکیل پرونده و سرنخ‌های مشابه**

با شکایت شاکیان، پرونده به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت، در اختیار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. مأموران در جریان تحقیقات با چند پرونده مشابه روبه‌رو شدند که همگی از سرقت‌های مسلحانه سریالی در خانه‌های شمال تهران حکایت داشت. چهار سارق مسلح نقابدار با تهدید اسلحه، جاقو و حتی چوب‌وارد خانه‌ها می‌شدند و دست به سرقت‌های میلیاردری می‌زدند.

■ **تماس مرد جوان**

در حالی که تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سارقان مسلح

گفتگو با متهم

■ **تشکیل بانده سرقت در زندان**

بهرام، سردسته بانده سارقان منازل شمال تهران، سارق سابقه‌داری است که ادعا می‌کند این بانده همراه هم‌سپوهایش در زندان تشکیل داده و پس از آزادی از زندان، سرقت‌های خود را آغاز کرده‌اند.

■ **بهرام! چه سابقه‌ای داری؟**

سابقه‌های اصلی من مربوط به سرقت‌است. چندین بار به اتهام سرقت دستگیر شدم. پیش از این، انواع مختلف سرقت انجام می‌دادم و حتی سابقه درگیری هم دارم، اما این بار تصمیم گرفتم سرقت از منازل را بدهم.

■ **چرا سرقت از منازل را انتخاب کردید؟**

چون سرقت از منزل پول بیشتری دارد. الان در بیشتر خانه‌های

حجرات

سرویس حوادث ۶۰-۸۵۵۳۳

سرقت‌های سریالی سارقان مسلح

که با رسید آب معدنی لو رفت!

ادامه داشت، چندی قبل مرد جوانی با پلیس تهران تماس

گرفت و از سرقت در حال وقوع در خانه همسایه‌شان خبر داد. او گفت: «صداهایی از طبقه بالایی شنیدم و چون می‌دانستم صاحب‌خانه حضور ندارد، مشکوک شدم. پس از تماس با صاحبخانه و اطمینان از نبودنش، سریع با پلیس تماس گرفتم.»

■ **قرار مسلحانه**

با اعلام این خبر، مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند و در نزدیکی ساختمان با چهار سارق نقابدار روبه‌رو شدند که قصد فرار با خودروی سمند داشتند. سارقان با مشاهده پلیس با پای پیاده متواری شدند و در ادامه با تهدید اسلحه، دو موتورسوار را خفت کردند و با موتورسیکلت‌ها گریختند. بررسی‌ها نشان داد آنها در این سرقت نیز ۸ میلیارد تومان اموال به سرقت برده و خودروی سمند را در محل رها کرده‌اند.

■ **رسید بانکی؛ سرنخ اصلی پلیس**

کارآگاهان دریافتند خودروی سمند که در اختیار سارقان بوده سرقتی است و چند روز قبل گزارش سرقت آن در اداره پلیس ثبت شده‌است. مأموران در ادامه به بازرسی دقیق خودرو پرداختند و در بازرسی از داخل خودرو، رسید بانکی مربوط به دستگاه کارت‌خوان کشف شد که نشان می‌داد یکی از سارقان یا افراد مرتبط با آنها، یک روز قبل خریدی از مغازه‌ای انجام داده‌است.

در بررسی‌های فنی، پلیس صاحب رسید را شناسایی کرد و فردی به نام «ارسلان» بازداشت شد. او در بازجویی‌ها گفت که رسید متعلق به خرید بطری آب بوده و از سرفتی بودن خودرو و اقدامات سارقان اطلاعی نداشته است. وی گفت: «آن روز یکی از دوستانم به نام فریبرز با خودروی سمند به سراغم آمد تا جایی برویم. در میان راه بطری آبی از سوپرمارکتی خریدم و رسید آن را داخل خودرو

انداختم، اما در جریان سرقت‌ها نیتیم» تحقیقات پلیس نیز صحت گفته‌های او را تأیید کرد.

در ادامه، فریبرز بازداشت شد. وی ابتدا منکر جرم شد، اما در نهایت اعتراف کرد که به سفارش فردی به نام بهرام اقدام به سرقت خودرو می‌کردند و سارقان مسلح با این خودروها دست به سرقت‌های سریالی می‌زدند.

■ **دستگیری سردسته بانده**

بررسی سوابق بهرام نشان داد وی از سارقان سابقه‌دار است که چندین بار بازداشت و زندانی شده‌است. بهرام بازداشت شد و سه همدست خود را معرفی کرد. سپس مأموران برای دستگیری همدستان وی وارد عمل شدند، اما موفق شدند یکی از سارقان را بازداشت کنند و دو سارق دیگر متواری شدند. همزمان با ادامه تحقیقات از سارقان دستگیر شده، پلیس در تلاش است تا دو همدست آنها را بازداشت و سرقت‌های احتمالی آنها را بررسی کند.

شمال تهران مقدار زیادی طلا و دلار نگهداری می‌شود و اگر شانس

با دم پار باشد، با یک سرقت می‌شود پول زیادی به دست آورد. بقیه سرقت‌ها از نظر ماده‌دزدی محسوب می‌شود.

■ **چطور با همدستانات آشنا شدی؟**

همه مادر زندان باهم آشنا شدیم و همگی سابقه‌دار هستیم. همان‌جا تصمیم گرفتم بعد از آزادی، سرقت از منازل انجام دهم و یک تصمیم‌مان عمل کردیم.

■ **خانه‌های مورد نظر را چگونه انتخاب می‌کردید؟**

معمولاً در خیابان‌های شمال شهر گشت می‌زدیم و خانه‌هایی را که چراغشان خاموش بود، انتخاب می‌کردیم. چند ساعت آن خانه‌را زیر نظر می‌گرفتم، و اگر چراغ همچنان خاموش بود، ابتدا زنگ خانه را می‌زدیم. اگر کسی جواب نمی‌داد، وارد عمل می‌شدیم.

■ **چگونه وارد خانه‌ها می‌شدید؟**

معمولاً با دیلم قفل در را تخریب می‌کردیم. یکی از همدستانم چشه

قتل کارمند جوان وبازداشت قاتل فراری مرتضی‌گرد

درگیری مرگبار مطلع شد و تیم جنایی به

محل اعزام شدند.

در محل حادثه، جسد خونین مرد جوانی کشف شد که بررسی‌ها نشان داد وی در جریان درگیری دسته‌جمعی با ضربات چاقو به قتل رسیده است.

■ **شناسایی قاتل و فرار متهم اصلی**

کارآگاهان همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی با بررسی دوربین‌های مداربسته و انجام تحقیقات میدانی چند نفر از افراد حاضر در درگیری را شناسایی و بازداشت کردند، اما مشخص شد قاتل اصلی فردی به نام حمید است که پس از درگیری متواری شده است. اظهارات متهمان بازداشت شده و تصاویر دوربین‌ها نیز نشان می‌داد ضربات مرگبار توسط حمید وارد شده است.

■ **لورفتن مخفیگاه قاتل**

در حالی که تلاش برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت، یک روز قبل مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و اعلام کرد از مخفیگاه حمید اطلاع دارد. وی گفت: «حمید بعد از قتل مدام مخفیگاهش را تغییر می‌داد، اما شب گذشته در یک میهمانی متوجه شدم که او در خانه یکی از دوستانش در جنوب تهران مخفی شده است.»

با این اطلاعات، تیم جنایی به دستور بازپرس ویژه قتل به مخفیگاه مورد نظر اعزام شدند و قاتل فراری را پیش از فرار دستگیر کردند.

حمید پس از انتقال به پلیس، در

جان باختن ۳ نفر در ۲ تصادف شبانه

معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ از وقوع دو تصادف که باعث مرگ سه نفر در پایتخت شد، خبر داد.

سرهنگ فیروز کشیر افزود: اولین تصادف ساعت ۳ بامداد دپروز در بزرگراه شهید باکری سمت شمال به جنوب رخ داد. در این تصادف یک دستگاه خودروی ۴۰۵ با دو سرنشین، پس از برخورد با کنارهای بزرگراه و رد شدن از نیوجرسی‌ها، خودرو به پایه یک تیر برقی برخورد کرده و واژگون می‌شود. معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ ادامه داد: در اثر این برخورد، هر دو سرنشین جان خود را از دست می‌دهند. سرهنگ فیروز کشیر ادامه داد: علت این تصادف، سرعت غیرمجاز خودرو و عدم توانایی کنترل وسیله نقلیه عنوان شده‌است. وی درباره تصادف دوم نیز افزود: تصادف دوم نیز در اتوبان تهران- کرج حوالی کوهک رخ داد. در این حادثه یک دستگاه خودروی دنا با یک عابر ۵۵ساله برخورد می‌کند. معاون اجتماعی و فرهنگی پلیس راهور تهران بزرگ ادامه داد: در این تصادف عابر بر اثر برخورد سر به شیشه خودرو پرت شدن در همان صحنه تصادف جان خود را از دست داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد فرد در کنار آزارها منتظر ایستاده، اما چون لباس کاملاً تیره بر تن داشته، راننده دانا اصلاً او را ندیده و این برخورد صورت گرفته‌است.



مرگ آتشین

برای نجات جان پسر خاله

■ **آرمین بینا**

شعله‌های آتش یک کارگاه کفاشی در جنوب تهران، شاهد فداکاری مردی شد که برای نجات پسرخاله‌اش به دل آتش زد، اما لحظاتی بعد، خودش قربانی حادثه‌ای شد و جانش را از دست داد. عامل آتش‌سوزی به حبس و پرداخت دیه محکوم شد.
یکشنبه روزهای زمستان سال ۹۶، مأموران پلیس تهران از وقوع آتش‌سوزی در یک کارگاه کفاشی در جنوب پایتخت باخبر شدند. بلافاصله تیمی از مأموران به محل حادثه اعزام شدند و در بررسی‌های اولیه مشخص شد دو مرد جوان در جریان این آتش‌سوزی به شدت دچار سوختگی شده‌اند. هر دو مصدوم با کمک نیروهای امدادی به بیمارستان منتقل شدند.

■ **اعتراف به آتش‌سوزی عمدی**

در ادامه، مأموران برای بررسی ابعاد حادثه راهی بیمارستان شدند. یکی از مصدومان به نام «محمد» به دلیل شدت سوختگی در بخش مراقبت‌های ویژه بستری و حال عمومی‌اش وخیم گزارش شد. مصدوم دیگر به نام «سرتی» وضعیت بهتری داشت و در تحقیقات اولیه اعتراف کرد که خودش عامل آتش‌سوزی بوده‌است. او مدعی شد به دلیل اختلافی که با صاحب کارگاه داشته، با پاشیدن مایع اشتعال‌زا، محل کار را به آتش کشیده‌است.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، به مأموران پلیس خبر رسید محمد به علت شدت سوختگی روی تخت بیمارستان جان باخته است. با توجه به اینکه آتش‌سوزی عمدی تشخیص داده‌شد، مرگ این مرد جوان پرونده را وارد مرحله تازه‌ای کرد و به دستور بازپرس جنایی، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات تخصصی را آغاز کردند.

■ **اختلاف با صاحب کارگاه**

بررسی‌ها نشان داد اکبر و محمد پسرخاله بودند و هر دو در این کارگاه کفاشی کار می‌کردند. ماجرا از آنجا آغاز شد که اکبر با صاحب کارگاه بر سر پرداخت‌شدن حقوق و مزایا دچار اختلاف می‌شود. روز حادثه، درگیری لفظی میان اکبر و صاحب کارگاه بالا می‌گیرد و اکبر در اقدامی خطرناک، کارگاه را به آتش می‌کند. صاحب کارگاه موفق به فرار می‌شود، اما اکبر در میان دود و شعله‌ها گرفتار می‌ماند. در این میان، محمد که شاهد گرفتار شدن پسرخاله‌ش در آتش بوده، برای نجات او به داخل کارگاه می‌رود، اما خودش نیز گرفتار شعله‌ها می‌شود و جانش را از دست می‌دهد.

■ **بازداشت**

با روشن شدن این ابعاد، اکبر بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در اظهارات خود گفت: «من و پسر خاله‌ام چند سالی در این کارگاه کار می‌کردیم، اما صاحب کارگاه حق و حقوق‌مان را به موقع پرداخت نمی‌کرد. بارها اعتراض کردیم، اما نتیجه‌ای نداشت. روز حادثه با او درگیر شدم و تهدید کردم اگر حقوق‌مان را ندهد، کارگاه را آتش می‌زنم. در جریان درگیری، ناخواسته آتش‌سوزی رخ داد و خودم در میان آتش گرفتار شدم. پسر خاله‌ام برای نجات من آمد، اما جانش را از دست داد.»

■ **قتل غیر عمد**

پس از اعتراف متهم و انجام تحقیقات میدانی، بازپرس جنایی مرگ محمد را قتل عمد تشخیص نداد و برای اکبر به اتهام قتل شبه‌عمد کیفرخواست صادر شد. متهم در دادگاه به تحمل حبس و پرداخت دیه محکوم و راهی زندان شد. پس از طی مراحل قانونی، پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی ارسال شد. اکبر پس از گذراندن دوران حبس از زندان آزاد شد. از سوی دیگر، همسر و فرزندان مرد فوت‌شده نیز از جنبه عمومی جرم گذشت کردند و تنها خواستار دریافت دیه شدند. چند روز قبل، متهم برای تعیین تکلیف نحوه پرداخت دیه به شعبه اجرای احکام مراجعه و با ارائه درخواست اعسار اعلام کرد، حاضر است طبق قانون، هر ماه بخشی از حقوق خود را به عنوان دیه به خانواده پسرخاله‌اش پرداخت کند. این درخواست در حال حاضر در دست بررسی قرار دارد.

